

شرح اجرت طبع کتب وغیره.

۱) اعضای مطبع بهرابط ذیل برای طبع هرکونه کتب عربی - فارسی - اردو - وغیره حضراند

۲) (اول) - اجرتیکه ذیلا در زخ نامه معین شده فقط برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صفائی و جلدبندی وغیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع مستمداند که بهر قسم دستور العمل داده شود تحصیل نمایند

۳) (دوم) مطبع ذمه دار همت مطبوعات خود مطابق نسخه اصل است

۴) (سوم) - میزان یک جزو را چهار صفحه یا دو ورق جلدالتین قرار داده ایم - امم براینصکه همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده صفحه قرار دهند یک جزو محسوب خواهد شد - اگر اندکی ( یعنی تا نیم انج - ربع کره ) قطع کاغذ کم یا بیش باشد همین اجرت محسوب خواهد بود

۵) (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جلدالتین ظاهر میتواند شد

۶) (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع امم از نسخ - نستعلیق - شکسته مطابق خطوط متوسطه رسائل منطبقه بمبئی و سایر بلاد هند خواهد بود

۷) (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام امور فی جزوی ده روز مقرر است

۸) (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف (ملیجر مطبع) زخ نامه

فی جرد	حروف ریزه	حروف متوسط	حروف درشت	خطی بن سنگی
هزار نسخه	دو رویه	سه رویه	هشت رویه	هفت و نیم رویه
پانصد نسخه	هشت رویه	هفت رویه	شش رویه	پنج و نیم رویه

شکرنامه حجاج

( مواد عرضیه میباشد که از طرف حجاج )  
( ذوی الاحترام ایران بفارغ کبرای اسلامبول )  
( تقدیم شده است )

۱) بحضور مبارک جناب مستطاب اشرف آقای برنس ارفع الصوله سردار و سفیر کبیر دولتملیه ایران مقیم اسلامبول دامت شوکت العالی عرض میشود - اولاً خداوند لم یزل ولا یزال سابع

ببارک اعلی حضرت قدر قدرت هایون شهریارى ارواحنا فداء را از سرکافه ایرانیان کم و کوفه نقره موده قرون پیشمار در مسند سلطنت برقرار نماید و عمود وزراء و امرا و جنابعلی را سلامت برآرد -

امسال بحمدالله والانه عموم حجاج باخوشی وسلامتی وارد جده شده عنقریب تازم مدینه منوره و بیت الله الحرام میباشیم از کارگذاران دولت علیه از آنحضرت مأمور جده کمال تشکر و امتنان را داریم جناب عمده الامراء المقام میرزا علی اکبر خان مفخم السلطنه جبران قونسل مقیم جده منتهای مواظبت را در فراهم آوردن اسباب استراحت حجاج دارند بیشتر از حد تصور در حق عموم حجاج رأفت و مهربانی میکنند واحترام سادات و علماء را بطور لازم مرعی میدارند از فقرای سادات و اهل علم دیناری حق امضا نمیگیرد و عموم حجاج از ایشان راضی و خوشنود هستند معلوم است اینها همه از توجهات کامله جناب مستطاب اجل اشرف مدظله العالی است که همچو شخص کافی و کاردان و قابل را مأمور فرموده اید که حقوق حجاج را از هر جبهه مرعی بدارد و هر قافله که از جده بمکه معظمه میرود - برای حفظ مال و جان حجاج ایرانی از حکومت عثمانی عسکر گرفته همراه آنها میفرستد در این صورت بجای لازم است سبکه مراتب حسنی سلوک جناب (مفخم السلطنه) را بمرض حضور مبارک برسایم خداوند الشا افة وجود مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف عالی را که اسباب افتخار عموم ایرانیان مقیمین خاک عثمانی است از هر سبکونه آفات محفوظ بدارد زیاده زحمت نداریم - (عبدالصمد الحسینی)

خداوند وجود میمنت مسعود آقای جنرال قونسل را از جمیع بلیات محفوظ بدارد که الحمد لله رب العالمین حقیقت نفس الامر اسباب سرفرازی و افتخار است بجهت رعایا کمال رأفت و مهربانی را دارند در حق فقرا و حجاج زیاده زحمت ندارم اقل الطلاب (محمد علی) آنچه که آقایان مرفوم داشته اند الحق زیاده بر این است زمان حقیر اقل السادات (علی) از بیان حقیر است معذورم خداوند طول عمر باقایی سفیر بپهد که باعث سرفرازی دولت هستند

(اقل السادات علی الموسوی)

ning advertising in "Hablul Matin" are to be "directed to the abovementioned Advertising Agency."

اعلان

مراج جانی در کلکتہ

§ بیست و یکم منی ماه سنه (۱۹۰۲) انگلیسی مطابق دوازدهم سفر المظفر سنه (۱۳۲۰) هجری مستقلاً در کلکتہ شروع بهراج جانی خواهد شد - خدا را شکر که ارباب رجوع از خریدارهاییکه سنه ماضیه که بذریعہ این کپانی نموده اند شکایتی نداشته بلکه تا اندازه شاکر بوده اند - لذا امیدواریم که درین سال فرمایشات و رجوعات خود را مضاعف فرموده اجزای کپانی را رهین امتنان خویش فرمایند محض اطلاع ارباب رجوع اعلان داده شد \*

ام - ان - موکو کپانی

نمبر ۲۹۱ هوازار استریت کلکتہ

شرکت کارخانجات

بولورسازی (آفتون که)

§ ظروف بلور و شیشه - اشیاء مزینہ - پارخوری - لایہ آلات - اقسام شیشه معموله در دواخانها - شیرینی خوری - شیشه‌ها جهت عطریات - تنک‌ها جهت مشروبات - شیشه‌ها جهت تجزیہ و عمل شمیک - ملزومات جزائرها بانواع و اقسام - در کارخانہ فوق‌الذکر حاضر است - و فرمایش هم نوع اسباب بلور و شیشه بهر قسم و ترکیب که بخواسته باشند قبول میشود - مرکز کل کارخانہ و انبار در شهر (مسکو) میباشد

در کوچہ (بیانسکایا) در خانہ

(ناسہ نیکوف که)

No. 65269.

اعلان

(ملزومات جبہ ورزش بدنی در خانہ)

(از اختراعات دکتر ل - فیلان)

(داشتن این اسباب برای هرکس لازم میباشد)

§ قیمت یکدستگاه اسباب ورزش بقرار ذیل است

جبہ زنان و اطفال ۱۰ منات

برای مردان ۱۱ منات

برای اشخاص قوی ۱۲ منات

برای پهلوانان ۱۳ منات ۵۰ قبک

(اختراع مخصوصه)

یکدستگاه تمام ملزومات ورزش جبہ اهل خانہ ۱۴ منات

قیمت اسباب مذکورہ با مخارج فرستادن روی هم است

دستکش موسوم بہ "Jacques Royal" که

جبہ دستهاییکه مرق میکند نیز هست

عمل فروش در مسکو (روسیه) در مغازین

(ژاک) در کوچہ (پتروکا)

No. 4000

اعلان دیگر

§ جبہ توسعه دایرہ تجارت میوه‌جات و امتعه عالی

در ممالک روسیه مایل بسروکار داشتن با خانهای تجارتي

مضربکہ تجارت کلی بامتعه مذکورہ داشته باشند میباشد -

میتوانیم هم نوع اعتبار خود را معلوم و معرفی شویم

آنانیکه طالب عمل داشتن با ما باشند تکالیف

خود را متوقع مکتوباً بنوسط کنطور شرکت اعلانات

(ل - ا - منسل) اطلاع بدهند که کنطور مذکور

به (مسوک - ک) برساند -

ادرس برای مکتوب بقرار ذیل است

در پترسبورغ (روسیه) در کوچہ (بالشایا)

(مارسکایا) خانہ نمبر ۱۱

No. 51527

NOTICE.

All advertisements from Europe or with origin from Europe will exclusively be accepted by the

Advertising Agency

L. & E. METZL & CO.  
MOSCOW AND ST. PETERSBURG.

By its branch-establishments and foreign agents. All inquiries from Europe concer-

میلوک اعلیحضرت قدر قدرت هاپون شهریاری ارواحنا فداء را از سرکافه ایرانیان کم و کونه نفرموده قرون پیشمار در مسند سلطنت برقرار نماید و عمود وزراء و اسرا و جنابعلی را سلامت برآرد -

امسال بحمدالله والانه عموم حجاج با خوشی و سلامتی وارد جده شده عنقریب عازم مدینه منوره و بیتالله الحرام میباشیم از کارآذاران دولت علیه از انتخاب مأمور جده کمال تشکر و امتنان را داریم جناب عمده الاسراء العظام میرزا علی اکبر خان مفخم السلطنه جنرال قوائیل مقیم جده منتهای مواظبت را در فراهم آوردن اسباب استراحت حجاج دارند. بیشتر از حد تصور در حق عموم حجاج رأفت و مهربانی میکنند واحترام سادات و علماء را بطور لازم مرعی میدارند از ققرای سادات و اهل علم دیناری حق امضا نمیگیرد و عموم حجاج از ایشان راضی و خوشنود هستند معلوم است اینها همه از توجهات کامله جناب مستطاب اجل اشرف مدظله العالی است که همچو شخص کافی و کاردان و قابل را مأمور فرموده اید که حقوق حجاج را از هر جبهه مرعی مدارد و هر قافله که از جده بمکه معظمه میرود - برای حفظ مال و ارجان حجاج ایرانی از حکومت عثمانی عسکر گرفته همراه آنها میفرستند در این صورت بجاها لازم است بجهت مراتب حسن سلوک جناب (مفخم السلطنه) را بمرض حضور مبارک برسایم خداوند انشاء الله وجود مبارک حضرت مستطاب اجل اشرف عالی را که اسباب افتخار عموم ایرانیان مقیمین خاک عثمانی است از هر سگونه آفات محفوظ بدارد زیاده زحمتی نداریم - (عبدالممد الحسینی)

خداوند وجود میمنت مسعود آقای جنرال قوائیل را از جمیع بلیات محفوظ بدارد که الحمد لله رب العالمین حقیقت نفس الامر اسباب سرافرازی و افتخار است بجهت رعایا کمال رأفت و مهربانی را دارند در حق فقرا و حجاج زیاده زحمتی ندارم اقل الطلاب (محمد علی) آنچه که آقایان مرقوم داشته اند الحق زیاده بر این است زبان حقیر اقل السادات (علی) از بیان حقیر است معذورم خداوند طول عمر آقای سفير بدهد که باعث سرافرازی دولت هستند

(اقل السادات علی الموسوی)

شرح اجرت طبع کتب وغیره

§ اعضای مطبع بهرابط ذیل برای طبع هرگونه کتب عربی - فارسی - اردو - وغیره حاضراند

§ (اول) - اجرتیکه ذیلا درنرخ نامه معین شده فقط برای نوشتن و یا حروف چین و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلدبندی وغیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع مستعداند که بهر قسم دستور العمل داده شود تکمیل نمایند

§ (دوم) مطبع ذمه دار همت مطبوعات خود مطابق نسخه اصل است

§ (سوم) - میزان یک جزو را چهار صفحه یا دو ورق جلدالتین قرار داده ایم - اعم برایشکته همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و باشانزده صفحه قرار دهند یک جزو محسوب خواهد شد - اگر اندکی (یعنی تا نیم انج - ربع کره) قطع کاغذ کم یا بیش باشد همین اجرت محسوب خواهد بود

§ (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جلدالتین ظاهرا میتواند شد

§ (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع اهم از نسخ - نستعلیق - شکسته مطابق خطوط متوسطه رسائل منطبعة بمبئی و سایر بلاد هند خواهد بود

§ (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام امور فی جزوی ده روز مقرر است

§ (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف (منبعر مطبع)

• • • **نرخ نامه** • • •

فی جرد	حروف ریزه	حروف متوسط	حروف درشت	خطی جزئی
هزار نسخه	دو رویه	نه رویه	هشت رویه	هفت و نیم رویه
پانصد نسخه	هشت رویه	هفت رویه	شش رویه	پنج و نیم رویه

شکرنامه حجاج

(سواد مرخصاً میباشد که از طرف حجاج)

(فدوی الاحترام ایران بفاروق کبرای اسلامبول)

(تقدیم شده است)

§ بحضور مبارک جناب مستطاب اشرف آقای برلس ارفع الدوله سردار و سفير کبیر دولتمبله ایران مقیم اسلامبول دامت شوکت العالی عرض میشود - اولاً خداوند لم یزل ولا یزال سابه

شما از حالات تاریخی مسلمانان چین

(عطف با سبق)

§ هر طبقه از تواریخ چین این امر را مسلم دانستند  
 سکه اولین سرکرده مسلمانان (کتب) از صاه  
 یا رشته دلران حضرت خلقی سرنبت بوده است (دبری)  
 که یکی از مورخین است و به جنرال قونسلگری فرانس  
 در چین مقرر بود و قالب آنچه را که اروپائیان از حالات  
 تاریخی اسلامیان چین می نویسند مأخوذ از کتاب اوست  
 چین می نویسد

این امر قابل تسلیم است که سردار اول مسلمانان  
 (کتب) یکی از خاندان عرب و قریش بوده و بنوع  
 حالات او بلکه سوانح عمری وی از کتب تواریخ  
 اسلامیان چین ظاهر میشود چیزیکه در ذهن میزند  
 افسانه ایست که در حق او ذکر مینمایند یعنی از معجزات  
 و کراماتیکه سواران انبیا و اولیاء کبار است

در سنه (۶۲۸) میلادی که مطابق با سال ششم  
 هجرت بود و در تواریخ اسلام سنه دعوت نامیده شده  
 حضرت ختم المرسلین (وهاب ابوبکثه) را با تحایف زیاد  
 روانه چین فرموده تا خاقان را از بعثت آن حضرت  
 خبر دهد. وقتی که وهاب وارد در شهر (کتب) چین  
 گردید از جانب خاقان استقبال مفصلی شده و همراهیان  
 وی اجازت یافتند که علانیه بارکان دین خود عمل نموده  
 تعمیر مسجد کنند و وهاب ابوبکثه پیغام خود را  
 بخاقان چین رسانید و در سنه (۶۳۲) میلادی عازم بجانب  
 هرستان شد همان ایامیکه وهاب ابوبکثه وارد مدینه  
 شده حضرت رسالت پناهی ازین جهان قالی رحلت  
 فرموده بود ازین خبر جانگزه دلش بدرد آمده ظاهراً  
 عرسه قلیلی در هرستان یش قیام نه نموده مجدداً  
 عازم چین شد وقت مراجعت بچین یکجمله قرآن مجید  
 که محکم خلیفه اول جمع شده بود همراه خود وارد  
 چین نمود این واقعه در سنه ۱۲ و ۱۱ هجری که مطابق  
 سنه ۶۳۳ و ۶۳۴ میلادی بود

چون در (کتب) رسید یکی بواسطه ضعف و  
 ناتوانی و دیگری بطقت مشقت و زحمت این سفر طویل  
 رحلت نموده در نواحی آتشبر دفن شد مسلمانان چین  
 تاکنون مزاروی را تعظیم و تکریم مینمایند  
 آنچه تواریخ مسلمانان چین منباب نسب ابوبکثه

مضامین معروضه حضور مبارک در حق داعی  
 دوام دولت علیه قاهر. با حسن وجه منظور و مراعات  
 شده زیاده از حد تشکر و امتنان داشته و دارم  
 حضرت حق جل شانه بر توفیقات و حسن اخلاق و  
 اشفاق جناب مستطاب جل اشرف عالی آقا، سیر  
 دام اقباله العالی بیفزاید و بیوسته همت علیای ایشان  
 را مقرون بر این مراتب دارد - (عبد الاحقر محمد  
 علی الموسوی) - ان لذاریر (الراجی حسین) - اقل  
 الصلاب (یا کریم) - اقل الحاج (محمد اسمعیل) دعاگوی  
 دولت (محمد رضا ابن محمد حسین)

اقل اسادات عباس الموسوی - آنچه که عرض نمایم  
 يك ار صد عرس ندرده ام ار حسنات آقا فی الواقع  
 و خود آقا سیر حیلی جهت حجاج خوب و حج  
 آسوده هستند و با حاج ممنون و متشکر مینمایند زیاده  
 مرضی ندارم - (عباس الموسوی) همه دار صد نفر  
 حجاج (الراجی حسن) (یا حسین محمد ابوتراب) - (الراجی  
 حبیب الله) - (محمد رضا) - (علی اکبر) - (عبد محمد)  
 حله دار صد و پچاه حاجی (جعفر) - (عبد کریم)  
 حله دار دو بیست نفر حجاج - (صادق)

بیشاً

سندان درگاه که دو سال یک هزار و سیصد و نوزده  
 هجری عازم زیارت بیت الله الحرام زادگاه شرفاً و تعظیماً  
 و زیارت مدینه منوره حضرت سیدالامام سلی الله علیه و  
 آله بودیم در بلده بدووع بواسطه حاضر نبودن شتر  
 سه چهار روز توقف نمودیم جناب متمد السلطان  
 آقا میرزا عبدالله خان ویر قونسل سکه مأمور  
 دولت علیه ایران است لازمه رحمت را در راه انداختن  
 حجاج و فراهم آوردن اسباب تسهیل امر و امنیت  
 آنها بعمل آورده نکته از تکالیف لازمه مأموریت  
 خود را قصور نکرده در مقام حق و انصاف مستحق  
 بذل مریوع انقیار و مرحت از جانب اولیای دولت علیه  
 و سفارت کبری هستند - این مختصر را در رضامندی  
 خود از زحمت ایشان لازم بود که مرض نمایم و  
 دیناری از حجاج بهیج اسم و رسم مطالبه نکرد و  
 ما شهدنا الا با علمنا فی ۱۲ شهر ذی قعد ۱۳۱۹  
 معین السطان - معین الملک - سره الملک - هاشم الحسینی  
 عبد محمد ابن جواد - اقل محمد باقر خلوقی

مینویسند که خلوی حقیقی رسول الله است مقرون بصواب  
 نتواند بود ابو کبشه از طایفه بنی زهره است چون  
 آمنه سلام الله علیها از بنی زهره بود طایفه بنی زهره  
 خود را باین مناصبت اخوان رسول الله نامیدند ازین رو  
 وهاب ابو کبشه هم خود را خلوی رسول خدا خوانده  
 بهر تقدیر تواریخ چین او را خلوی حقیقی رسول  
 مقبول می نویسند در مکتب تواریخ اسلام این امر  
 ظاهراً است که آمنه سلام الله علیها را نخواهر بود  
 و نه برادر

اندک اندک در کرد و نواح مسجد ابو کبشه آبادی بخار  
 هرب ترقی کرده در تجارت مسلمانان از خوش سلوکی  
 و حسن اخلاق و کردار با همسایگان خود روز افزون  
 هروج حاصل نموده و درین ضمن اغراض خویش را  
 که عبارت از اشاعه دین اسلام بود کامل نمودند - معلوم  
 میشود که مسلمانان تا زمانه دراز در چین بود و باش  
 مسافران داشتند یعنی گاهی می آمدند و گاهی میرفتند و  
 کاملاً قصد سکونت و توقف در چین نمی کردند چنانچه  
 یکی از تجار هرب حالات مسلمانان سنه (۹۰۰) میلادی  
 را ذکر کرده میگوید که قاضی مسلمانان چین جدا  
 بود و خطبه بنام خلیفه اسلام میخواندند - بنام پادشاه  
 چین کم کم بواسطه قیام بعضی از هربها در (کنگتین)  
 و نکاح کردن با عورات چیناوی و توالد و تناسل  
 و نیز قبول نمودن بعضی از باشندگان اصلی چین دین  
 مقدس اسلام را اسلامیان اندیبار ترقی فوق تصور  
 کردند و دائرة دین مقدس اسلام وسعت پیدا نمود  
 بیشتر ترقی مسلمانان و قوت آنها از سنه (۷۵۸) میلادی  
 شد که (متصو درواقی) برای خودکی نیران بفاوتی  
 که در چین شده بود چهار هزار قشون هرب را بامداد  
 پادشاه (تائک) فرستاد بعد از آنکه نیران بفاوت  
 خاموش شد هربان از رقتن بملک خود سرباز زده  
 هرجه کردند که بالعمام و غیره این سپاهیان هرب را  
 از ملک بدر کنند میسر نشد تا آنکه حکم سختی سلطان  
 صادر کرد که این جماعت را باجبار از چین خارج نمایند  
 بناچار آنچهار هزار نفر لشکریان هرب باهم و هربیکه  
 در چین موجود بودند اتفاق کرده بنای قارت بعضی  
 از آبادیها و قرات و بلاد را نهاده طاقبت قصد جان  
 پادشاه کردند آخر الامر قشون چین فرمائی در حق آنها

صادر کرد و اجارت قیام و سکونت در آن مملکت  
 بآمان داد ولی آنها را در چند شهر تقسیم نمود و  
 خانه و ملک داد لشکریان ضرب باران چینی ازدواج  
 کرده باین تدابیر در تمام مملکت چین اسلامیان منتشر  
 شده روز افزون ترقی کرده دائرة اسلام هم وسعت  
 پیدا کرد و یک طبقه اسلامیان که اینوقت هم در چین  
 موجودند از اولاد ایسکونه مهاجرین اند ولی ترقی  
 اسلامیان بنوع کامل در زمان چنگیز خان شد که مسلمانان  
 ترك و همگ گروه گروه از وطن خود هجرت کرده و  
 برخی را چنگیز خان بجای وطن داده در چین آمده  
 توطن اختیار کردند و این سلسله تا زمانه دراز جاری  
 بود یعنی در زمان قائم مقامان چنگیز خان هم مسلمانان  
 ترك وطن گفته در چین نوضی اختیار میکردند و آن  
 ایام بر تعداد نفوس و آبادی چین خیلی افزوده شد یعنی  
 شهرهای عظیم از مردمان احلی معمور کردند  
 و تمام آنان مسلمان بودند این سلسله جاری بود  
 و قتی که سلطنت چین از خاندان مومون اترع برفت  
 از آن زمان تا کنون مسلمانان دایم چین را از حرجه  
 امدادی نرسید چه بعد از اترع سلطنت مغول در زمان  
 چین از روی مال اندیشی چنین قرار دادند که اجاب ر  
 از خود دور کرده و با آنها کمتر معامله نمایند و تررها  
 این اصول در چین جاری بود از چهل و پنج سال باین  
 طرف قدری سستی گشته است معذالک چون مسلمانان  
 چین ازدواج با زنان چینی را جایز قرار داده بودند و با  
 بت برستان چین مثل شیر و شکر می آمیختند علانیه و  
 آشکارا بر تعداد خود افزوده و می افزاید (باقی دارد)

داستان شکفت - و سرگذشت پتیمان  
 ( از نمبر ۲۸ )

در قبل نکارش رفت که طاهر بیک بهرامی دو نفر  
 سواره به قریه (نتر) رفتند معراله در ده مذکور  
 امورات مرجوعه خود را انجام داده روز پنجشنبه که  
 فردای این وقوات مؤله وحشیاه بود از (نتر)  
 حرکت و براه (پرکوش) متوجه شد میخواست از  
 پرکوش هم متبریز برود باتفاق سواران خود دوساعت  
 از روز گذشته بسر کوه (صائین) رسید سوارها از  
 شدت سرما اسبهای خود را باکمال سرعت می تاختند  
 ولی از آن سرعت یک (گرنک) کوچک آنان را باز داشت

خود طاهر بيك خيلي طبياً به شكار مائل بود از دیدن كرك سكروچك كه از جلو اسبش كریخت راه قریه را ترك نموده عقب آن كرك تا تحت تا اینکه به شكار نزدیک شد تفنگرا راست کرد كه بزید دید مسافت خيلي است و كرك بسیار دور رفته تیر به هدف نخواهد خورد تند کرده متغیر و در خشم شد و مصمم گردید تا آن كرك را شكار نه نماید و به تیر نژد بر نکرده و اسب خود را برانگیخت و دو چشم را برك دوخته بود كه از دیده اش غائب نشود ناگاه سمندش از تك باز ماند و قدم از قدم برداشت در شكفت شده به پیش رو نگاه کرده دید كه يك خندق مخوف نمایان است و هترب است كه دستهای اسبش از کنار همان خندق رد شود . طاهر بيك شكار خود را فراموش کرده بفكر خود پیچید و دید چیزی نمانده است كه با اسب به نه دره یرت شده شكار مرك كردد فی الفور باهای خود را از ركاب در آورده و خویشتن را از اسب بزمین انداخت ملازمان از بی رسیده و بدون فرمان فرمانده مردو اراسب پیاده شده و به كك طاهر بيك آمدند و بادست آمده آهسته بسینه اسب زده اسب را قدری عقب کشیدند (طاهر بيك) هم عنان اسب را گرفته عقب عقب میرفت تا از خلاصی خود خواطر جمع گشته نفسی راست نموده خود بخود میگفت - خدایا این چه حاده بود ؟

من میخواستم كه شكار كنم آنقدر نمانده بود كه خودم شكار مرك بشوم . یکی از آندو نفر به (بيك) گفت

بيك خودتان بهتر میدانید كه در این فصل زمستان روی برف و یخ اسب ناخن چه قدر خطرناك است علی الخصوص در دامنه جنین دره و كوه . الحمد لله كه سلامت خلاص شدید . دیگری گفت

آیا آن كرك منحوس هم در این خندق افتاد یا چه طور شد ؟

طاهر - ندانم كذا رفت من بخود مشغول بودم این بكفت و چند قدم پیش رفته به خندق نگاه کرده بعضی نگاه متوحشانه و بی اختیار گفت - ای وای خدایا چه می بینم ! اینجا دو جسد انسان افتاد است ! آدمهای نایب متعاقب صدای او كنار دره آمده در

لنظر نخستین دیدند كه نشی دو طفل در میان دره افتاده و بطاهر بيك عرض نمودند طاهر گفت - چه میگویند آیا آنان نشی طفلست كفتید ؟

بلی هر دو دخترند

نایب از شنیدن حرف آخر سوارها بحالتی افتاد كه گویا اورا برق زده زمانی مبهوت و خشك مانده بد دیوانه وار به آدمهای خودش نهب زد سواران باید زود برویم و اینجا نه ایستیم باید به نه دره برویم تعجیل نمائید . . . .

یکی از آن دو فرارز حالت (طاهر بيك) خيلي متعجب شده گفت

بيك اينقدر شتاب و بی صبری نمائید كه خود ما را به تهلكه می اندازیم بگذارید فكري بكنیم و چاره بجوئیم و راهی پیدا نمائیم كه بلكه بسهلوت بتوانیم به نه دره برویم

بلی بل حق بجانب شماست من بی اختیار شده ام و نمیدانم كه چه میگویم هر چه میخواهید بكنید آه دختران بچاره ا طفلان بی كس !!

بيك آیا این دو طفل را میشناسید ؟

مصطفی . حالا زمان صحبت نیست باید اول به نائین دره رفت بلكه بچاركان هنوز نمرده باشند لیكن . . . . اسبها را چه باید كرد ؟ . . .

ترا نكندم كه حرف ممت مزن اسبها را رها كن بیا در این بین همقطار مصطفی از مسافت كم صدا میزد طاهر بيك - طاهر بيك به اینطرف بیائید در اینجا بگراهِ پیدا نمودم كه راست به نه دره میرود . طاهر متعاقب آصدا خود را بدانجا رسانیده راه دره را گرفته میرفت سواران هم مشارالیه را تعاقب مینمودند تا اینکه نایب درته خندق بسر آن دو نشی رسید و در نخستین لنظر فریاد بر آورده و گفت - آخ دختران مظلوم . . . . فی الحقیقه سواره دختران را در حالتی دید كه عقلی از سرش پرید زیرا كه (نادره) با بازوهای بسته روی پشت افتاده و خون دماغش روی برفها را رنگین و لاله كون نموده بود و هنوز از چشمهای نیم كشاده سرشك خونین برخسار نازینش جاری بود . و سرزخدار جیله بی توان در روی پاهای نادره با حالت دل سوخته و غم افرا مانده بود - از همین شكل جگر سوخته

معلوم میشد که گدازه بچاره معاونت خود را در نفس آخرین هم در باره خواهر کوچک خود دریغ نداشته است در حالتیکه طاهر بیک می خواست که بفهمد آیا این بچاره ها مرده اند یا هنوز حیات دارند یکی از سواره های او بدیگری گفت

مصطفی این نقشهای با چه چیز است که اینجاست؛ حقیقت اینها چه هستند؟ شاید نقش پای حیوانات

صراست

فی الواقع خلیل تعجب دارد (باقی دارد)

منقول از روزنامه مظفری

(مدرسه سعادت مظفری بوشهر)

هیئت جامعه مدرسه سعادت مظفری واقعه در بوشهر از ابتدای تأسیس تا کنون در وسط شهر موقعا اقامت داشت و چون جناب امیرالامراء العظام آقای دریا بیگی امیرتومان دام اقباله در ایام حکمرانی بموقعیت افتتاح مدرسه مذکوره نائل شده در ضلع جنوبی شهر در مکان مناسب بطرز مرغوب مدرسه عالی بنا نموده اساس آن را استوار فرمودند هر این بین معظم الیه از طرف اولیاء دربار هاپونی عمر کو خلافت عظمی احضار شده ایام این بنای عالی بمسئله تمویق افتاد و امورات مدرسه محفل ماند تا ایامی این بنا بر عموم اهالی خصوص ارباب غیرت ناکوار آمد روزی در مدرسه انجمن نموده و با اکثریت آراء پنجنفر را انتخاب نمودند که کلیه امورات راجعه بمدرسه در تحت ریاست آن پنج نفر که اسامی آنها در نمره ۲ روزنامه مظفری نگاشته شد قرار گرفت و تا بحال که مدت هفت ماه از موقع انتخاب آنها گذشته بخوبی از انجام و عهده این امر مهم برآمده ماه بمسماه بدون تمویق مواجب موظفین مدرسه که نخستین شرط بقضاء اوست رسانده وهم در ایام مدرسه جدیدة البیان آتی خود داری فرموده تا آنکه بمحمد آقا قریب بانعام رسید وهیولی اوصورت مسکونیت قبول نمود هر این ایام بمناسبت تبدیل موسم و اقتضای فصل رجحان انتقال و مرجوعیت بقضاء در مکان مستعار آشکار شد - در ساقی نیک و وقتی مناسب هیئت جامعه در مدرسه جدید قرار گرفت رؤسای و وکلاء و نواب انجمن محترم مقتضی چنین دالست که روز مذکور را که روز بیست و نهم شهر

ذیحجه وموافق افتتاح اولیه مدرسه و مطابق نوروز خوارزمشاهی بود جشن نمایان برپا نموده باشند علیهذا باقبال بیروال شاهنشاهی خلدانه ملکه بلوازم تشریفات اقدام و بمراسم پذیرائی قیام فرموده از ایالت گبری جناب مستطاب اجل اکرم آقای سالار معظم دام اجلاله و اعیان و تجار محترم بلاد دعوت نموده همگی از راه معارف پروری اجابت فرموده دوساعت بفریب مانده روز مذکور آقای سالار معظم مدرسه جدیدة البیان را بقدم میمنت لزوم منور فرموده سایر مدعوین هم شرف حضور بهم رسانیدند دو دسته موزیک دولتی بری و بحری بنوای ایرانی مترنم بودند جناب آقای حکمران اول باطابق پذیرائی تشریف فرما شده پس از قدری استراحت باطابق درسی شاکردان تشریف رده مختصری از عربی و حساب وجغرافی امتحان نموده تحسین مبلغ فرموده - سپس باطابق پذیرائی مراجعت فرمودند آنوقت تمامی طبقات شاکردان در مقابل اطاق صف بسته خطبه را یکی از شاکردان در نهایت فصاحت قرائت نموده مع الاجازه مرخص شده مدعوین بصرف شربت مشغول شدند و چون نواقص مدرسه در مد نظر و مشهود خاطر مبارک جناب اجل آقای حکمران بود امر بشکلی شرف صدور یافت و عماله از کیسه قنوت مبلغ دو بیست تومان برسم اطانه مرحمت شد مدعوین هم که اسامی آنها بدون ملاحظه ترتیب مرقوم می شود مریک بملاوه اطانه استمراری بفراهور حال خود برسم اطانه فوق العاده مبلغی در دفتر اطانه ثبت نموده و مجلس بدعای ذات ملکوتی صفات اعلی حضرت هاپونی اختتام پذیرفت

اسامی اطانه دهندگان

- تومان
- جناب . . . . . منزالمالک پیشکار کل بنادر ۵۰
  - جناب . . . . . شجاعالمالک علاوه بر اطانه استمراری که دوسی تومان مرحمت کرده اند ۱۰
  - جناب . . . . . آقا محمد شفیع صاحب تاجر کارزونی ۱۰
  - جناب . . . . . مصصام السلطان ۱۰
  - جناب . . . . . آقا سید محمد رضا تاجر کارزونی ۱۰
  - جناب . . . . . سدیدالسلطنه ۱۰
  - جناب . . . . . حاجی سید محمد حسن شیخانکوره ۱۰

از خزانه مالیات بنام مستمری و نامہای مستعار کہ ابدأ  
خبری بدین و دولت و وطن نمی بخشند مبلغ عیبای  
بزرگ را بخصب و نهب نماید زیرا همان طور کہ ملت  
بدادن خراج مقاسمہ مجبور است بزرگان نیز مجبورند  
از آنکہ خزانه بیت المال را از اصراف محافظہ فرمودہ  
جز در راه حفظ حوزه اسلام و اعتلای شأن و شرف  
دولت و تدارک دفاع و جہاد تکفل نمایند بہ بجز دیگر  
مصرف شود

عجبا از این ہمہ کرورہا کہ ملت میدہد دہ یک  
او خرج حراست ملک و حقوق دولت بہ ملت میشود  
خیر واللہ ملک در سایہ نارسنکاری مأمورین نہ سپاہ  
داریم نہ قوہ مدافعہ در هیچ یک از قلاع سرحدات  
خودمان در مقابل دشمنان قوی صد نفر سر از مستعد  
کہ مایلزمش فراهم و آمادہ باشد و یک صاحب منصب  
وظیفہ شناس نداریم اگر حوسنہ باشیم وضع جمیع  
سرحدات را چنانکہ دیدہ ایم بکنار ہم مایہ رسوائی است  
استحکاماتی کہ سلاطین سلف نوراللہ مضجعم آمادہ  
نمودہ اند ہمگی ویران و پاہیان مستحفظ تماماً محسالی  
و کندہ شکنی و دزدی امر ہمیشہ خود را میکفزانند  
و حق ہم دارند زیر چیرہ و مواجب بہ آن نمیرسد  
از صدر گرفته الی سلطان و نایب چیرہ و مواجب  
عسکرا قباہین خود تقسیم مینمایند۔ لہذا حکمتان در مادہ  
آن جاری بہت یک تفکک بردوش سر باز دیدہ میشود  
کہ قابل تیر انداختن باشد اسلحہ عساکر تمام زنک زدہ  
و از کار افتادہ جبہ خانہ اسمش هست ولی رسمش  
در میان نیست خداوند تفضل فرمودہ کہ ہجوم سرحدات  
اہالیس جنگاور و اسلحہ و مہمات را آمادہ دارند  
معلوم است هیچ دولت و ملتی تا دستگاہ مالہ و  
حربش اصلاح نشود رقی نمیکند و ہم بولت معظلی  
و لو جین باشد کہ دارای نہ صد کرور نفوس است  
ہمینکہ دستگاہ مالہ و حربش بطور شایستہ ترتیب  
نشود مانند آن ذلیل حزب قلیلی میکردد ولی ہمینکہ  
دستگاہ حرب و مالیہ دولت در تحت انتظام دو آمد  
مانند قوم ذلیل ضعیف روس طالعکہ میشود

ای ملت شش ہزار سالہ و ای رؤسای روحانی  
و جسمانی ایران دیدہ باز و کوش فریاد دارید حکمت  
کرہ و موش نمی بکاریم

- جناب ... حاجی عبدالعلی تاجر کازرونی ۱۰  
آقای آقا میرزا عبدالحسین خان ملشی قونسول خانہ  
آلمان ۱۰  
جناب ... آقا محمد علی تاجر دہدشتی ۵  
جناب ... حاجی محمد تقی تاجر کازرونی ۵  
جناب حاجی محمد حمیر تاجر بوشہری ۵  
جناب آقا محمد صادق تاجر بوشہری ۵  
ایران دوست محترم سرکار دکنرینہارت قونسول آلمان ۳۰  
وطن دوست محترم آقا اردشیر مہرمان رستم یزدی ۱۰  
کہ ارطریق بوشہر عارم ہمیشہ هستند ۲۵  
وطن دوست محترم سرکار تکران ملکم ۳۰  
وطن پرست عبور مستر زینون ۲۵

مقالہ یکی از دانشمندان

( شماره ۸ )

ببروی دولت ایران

باید دست ہر دولتی کہ اہالی ملت خود را ر  
و ہوف مانع آمد و ہر مرقدر خاکش وسیع و اہالیس  
بسیار باشد اگر از طرف حکومتہای بسیار کوچک  
در بارہ او تجاوزی بطہور پیوستہ معلوب حواہد  
گردید۔ ولی دولتی کہ بحسنہ ملعونہ سبب در سربریہ  
و ملت را دکاھاندن از حق و قوف در ملک وطنی  
خود یک دہ و ہمراہ عمودہ و در امور لارہ تعاق و  
بہ آرای آن سراحہ و ایشازا پا خود ہمراہ و ہم  
افکار و متفق ساخت مانند دولت انگریز در بحرو  
بر قوی و فرمان روا میکردد۔ فکر دوام استبداد فکریست  
کہ مشیہ مصیبت و شامت جبہ محو و ہلاک اہل وطن  
و دول و ملل تولید مینماید

عجبا چرا باید علمای اعلام و رؤسای روحانی  
ما کہ ریاست تامہ را دارا مینباشند از برخی کارہا  
مطلع نباشند و طرف مشورہ دولت واقع نکردند فرض  
از نام علمانہ آخوندان دکان دارد خود پرست مینباشند  
ملکہ علمانی مینباشند کہ جز اعلاء کلمہ حقہ و سطوت  
و شوکت اعلامیان مقصودی نداشتند

بلکہ اگر آن طرف مشورہ واقع بودند بہ استقراض  
از ہمسایہ کہ ماہہ محو و اقراض ماست رضا نمیدادند  
و مال بیت المال را نمیکفازدند ہم بیدینی بنامہای غیر  
مشروع از میان بہ برد و ہمراہ رضا نمیدادند کہ غیر



دولت کتنام ژاپون که ناسی سال قبل قادر بر آن نبود خود را در عداد دول بشمار آورد از همت يك مرد بزرگ یعنی سلطان باخرد و دانش خود (میکادو) امروز کارش بجای رسیده که دولت انگریز با عقد اتفاتی که با او بسته بخود مینازد و هموم دول بهراس اندرند یکانه بی انباز مشاهده است هرگز ممالک او مستعد تر از ممالک ایران نیست - و اهالی ژاپون با غیرت تر از اهالی ایران نیستند - تاکی شیران پردل ایران از روی یاس و نومیدی کردن به بند ذلت و خواری در دهند خدا را الصافی - همین ایران است که در زمان سلاطین صوبه آنارالله برهاهم سلاطین هند به آنان پناه آورده استغاثه مینمودند و ایشان عسکر فرستاده دشمنان آنان را طرد و آنها را در مقر خود مستقر میفرمود - و جهة خواستکاری دفتر امپراطور روس سرداری با شانزده هزار عسکر فرستاده که سردار مذکور بقی عساکر را در حدود گذارده و با سه هزار عسکر به پای تخت رانده و (آنا) امپراتریس روس را هراتناقی و کمال احترام و عذوسی بوجه مبول سردار ایران را مراجعت داد - در درباری ماریدرن غیر از ما کسی نمیتوانست بکشتی رای قیام بید و تمام دریا در زیر امر دولت ایران بود در زمان اکرم خان زند که خود را وکیل امپراتریس بود يك مر انگریز و روس و غیره نمیتوانستند از حدود داخله خاک ایران قدم بگذارند و سمت خاک ایران دو مقابل حال خود و در عربستان حکمرانی مینمودیم جمیع جزائر خلیج فارس در تصرف ما بود از بصره گرفته تا مسقط در زیر امر دولت ایران بود - این چه نکبتی است که روی با آورده عجباً مردان ایران همه زن شده اند - آیا دانایان ایران همه دیوانه گردیده اند - عجباً علما با آنکه می بینند دین و دولت در سایه نارسکاری کارکنان خود پرست از خدا بجزر عمو میشود چرا ساکت نشسته آیا هر دیوان کبریا جواب خدا و پیغمبر را چه خواهند داد در عصر چنین پادشاه ترقی خواه رؤف مهربانی اگر کارها اصلاح نشود باید فاحشه ایران را خواند در شماره (۷۵۴) ورقه خلاصه الحوادث نام که در پای تخت یعنی دارالخلافه طهران انتشار مییابد نکارش یافته (که یکی از صاحب منصبان عساکر اطربش بنهت

آنکه جاسوسی نموده و بعضی اطلاعات واجمه بقلاع و استحکامات و مان خود را بدولتین فرانس و روس داده و در عوض بول گرفته - بواسطه این خیانت بزرگ از تمام درجات و اعتبارات نظامی محروم شده و چهار سال هم محبوس خواهد شد و بعد از انقضای مدت حبس از وطن اخراج خواهد کردید)

آیا اولیای امور مملعه نمیفرمایند و محبوب نمیشوند از آنکه آنا قاناً ررتبه و مقام خاتان دین ، دولت می افزایشد اما از حالت حدود خود آگاهی دارد آیا از سوء حرکات سرحدداران ناخبر اند !!

ایقوم ایران عمو شدید تمام شدید بخود آئید اگر چند روزهم ما ماهنه بمر برید یقین بدانید دین و دولت شما با این حالت عمو میشود مصیبتی از این برتر نمی شود که ارسدر تا ساقه هر نچه که بتواند از دولت در بریده بر باکهای ترکستان ذخیره میبایند گویا دولت ایران دولت آنان نیست ایران وطنشان نمیباشد - و یا از که گویا دیگر امیدی بدوم و تقاضا طلب خود نداره - و بلکه حرکات آنان جمیع ملت را مایوس نموده این یاس و فتور خود مانه عمو ماست هیچ بلانی جهة عمو ملت مرم را ریاس و فتور نیست چرا باید قریب بچاه آرزو ملت نجاع متحد ما اینکوه وطن مثبت حاصل خیزو آن نقطه محترم که در هیچ جای ربع مسکون مانند ندارد اینکوه مایوس و نا امید باشند

بلی این یاس و فتور را بزرگان ما استکار جهة ما دعوت نموده اند هراجنای بی سر و پای ده میان خانه ما هر کوه نمندی در ره زمان نباید محض آنکه خدمت بزرگان تظلم برهم میکنند صدا بیرون میاور رعیت اجبی است -

آری از لوایم ، اموریت چیریکه آموخته ایم تاخت بر ملت است نه از حقوق حکمرانی و نه از قانون دول و ملل آگاهی داریم باری سخن ما در نیروی دولت بود و معلوم است اطلاع بر علل و اسباب مایه پیشرفت مقاصد است با ایغالات دولت و ملت ما نمیتواند از نیروی خدا داد استفاده نموده و قدم براه ترقی بگذارد - جز اصول کنکاش و مشورت علاجی از برای ایندرد نیست (باقی دارد)

مکتوب

زه ساداتلو حاجی حسن خان اقلدی که از جانب سنی الجوانب شریف مکه برای تشویق و ترغیب اهالی

هند در باره اعانه راه آهن حجاز رونق افروز هندوستان شده در بمبئی جناب جلال‌آباد سید حسین حسنی اقدی باش‌شهنشدر دولت علیه‌عثمانی بجناب سردار اسماعیل خان مأمور سیاسی افغانستان مکتوبی نگاشته بود چون مشارالیه از جانب شریف که خط مخصوص بنام نامی والا حضرت امیر افغانستان دارد باش‌شهنشدر موصوف اشاره آن نیز کرده است خط مزبور را ذیلاً مینگاریم بخدمت جناب سردار اسماعیل خان صاحب وکیل حضرت امیر افغانستان در کلکته

میر محترم - حامل رقیمة نیازمند زهادت‌لو حاجی حسن خان اقدی اگر چه بحقیقت بحسب آنکه از خاندانهای ممالک افغانستان و در مکه مکرمه زاده الله تعالی شرقاً و مغرباً و کیل و کار گذار آن امارت پناهی اند حاجت سفارش ندارند مگر بحسب آنکه از مدت بیست و پنج سال مجاور مکه مکرمه و از موقوفین دولت علیه عثمانیه اند - در باره سفارش ایشان تصدع دهی حاشیه بشینان بمطابق قرب آن امارت پناهی نامناسب نمیباشد مبرمومی الیه از طرف دولتو سیادتلو امیر مکه بجهة تشویق اهالی واکابر و اطالم و رؤسای هندوستان رای فراهمی اعانات برای اجرای راه آهنین حجاز مغفرت طراز که نهیاً و ساز کاری آن آغاز شده مأمور و منصوب شده اند چنانچه بنام نوابها و رؤسای آن دیار چند مکاتب مودت اسالیب از طرف امیر مکه مکرمه همراه دارند که مکتوب الیهم رسانیده شفاهی نیز در بیان حقایق امور تشفی نمایند و سر دفتر جله مکاتب امیر مکه مکرمه مکتوب آن امارت پناهی است که دولتو امیر مکه مکرمه بنام نامی آن امارت پناهی نگاشته و مصحوب ایشان ارسال داشته اند لهذا عرض خدمت فیض درجت نموده امید که بتوجهات تقدس آیت امارت پناهی مومی الیه مورد و مطرح جلال مرادم گردیده در اجرای مقاصد میان مرادم که تبلیغ آن خواهند هم آغوش محنره حصول مراد گفته مورد انظار کیمیا آثار امارت پناهی خواهند گردید آفتاب دولت و اقبال ونیر درخشان جاه و جلال مدام زبان باد والسلام - فی دهم رمضان سنه ( ۱۳۱۸ ) بمبئی باش‌شهنشدر (السید حسین الحسنی)

نقل از جریده مبارکه فلاح مظفری

چنانچه از تواریخ اطلاع کامله داشته باشیم خواهیم بین نمود که اغلبی از علوم مالیه در ایران وجود داشته دلیل واضح اینکه اروپائیان خود که امروزه از حیثیت علم از سایر طوایف این عالم یعنی جسته و برزی گرفته مفر و معترفند که ایرانیان ملت قدیم روی زمین مییافتند و در اینکه دارای همه قسم علوم و حرفه و صنایع بوده اند حرفی ندارند چگونه ممکن است خیال کرد همچو ملتی قدیم که سالهای دراز درین عالم زیست و زندگانی میکردند از علم زراعت و فلاحت بی بهره بوده معماری و مهندسی نمیدانستند از علم بیطاروی خبری نداشته اند هرگاه کسی نخت جمشید بنظرش رسیده پله شوشتر و سد اهواز را دیده دیبا و حریر شوشتری را شنیده خواهد دانست که چه صنعت حجاری و معماری و مهندسی بکار برده اند آیا بجز علم جر افعال ممکن است بوسیله دیگر بتوان ستونهای سنگ نخت جمشید را که خیلی از آنها هم شکسته راست و خدنگ برپا داشت در واقع خیلی جای حیرت از برای بیننده است عجیبتر آنکه میگویند نخت سنگ بزرگی بالای آن ستونها نصب بوده و سلاطین جمشیده که سه هزار سال قبل تقریباً در ایران حکمرانی میکردند در روزهای اعیاد بر زبر آن نخت نشسته و سلام عام میفرمودند

دیبا و حریر شوشتری از منسوجات معروف عالم است و دیگر آنکه این اصطلاحات فلاحی که فعلاً در میان زارعین ما معمول است و اسامی آلات و اسبابیکه دارند از کجا بوده و بجه واسطه اختراع شده تمام این بناهای قدیمه را که جز آثاری از آنها باقی نیست چگونه ساخته اند آیا معماران و مهندسی که پله شوشتر و سد اهواز را ساخته کجائی بوده اند جزئی شکستی که بر او وارد شده خروارها زمینهای حاصل خیزم بزرع مانده و کرورها خسارات فلاحی وارد آمده

متها این است میتوان گفت که ایرانیان از کثرت استغنا و بی‌احتیائی بکارها و حوادثیکه برایشان متوالیاً از چند جا وارر آمده رفته رفته علم و حرفه و صنایع ارمیانشان متروک و معدوم گردید و کارشان بجائی رسیده که امروزه بی عوادترین مردم باید زارع و معمار و بیطارو شان باشند مثلاً هرگاه بگه خدای

ده بکونی پسرش را بکاتب بگذار تا علم خواندن و نوشتن آموزد جواب خواهد داد ای بابا پسر من سواد میخواهد چه کند باید بیله زمین زند و حال اینکه لازمه زارع علم و بصیر بودن است

بچه چون قدر هستی وجود خود نمیداند خود را خردترین مردم شماره این است که لازمه زارع بودن را بی سوادی داند علم زراعت را بیله دست گرفتن و تخم پاشیدن ولو بهر زمین باشد و آب دادن هر وقت میسر شود می بندارد مثلاً بقال وینه دوز که شغلشان در میان ماها پست است هرگز بطیب خاطر اطفال خود را با موختن زراعت و معماری و بنائی و بیطاری که در واقع لازمه زندگانی و اولین صنایع عالمند نکذارند پس قدر چنین روزی را باید دانست و شب و روز سپاس یزدان پاک را بجای آورده شکر گذار باشیم که ازین مرحمت پدر بزرگوار مهربان ما ایرانیان اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری ارواحنا و ارواح العالمین فداء و توجه مهین دستورش حضرت مستطاب اجل اشرف انعم معظم انابك اعظم مدظله و سایر اولیاء دولت روز افزونتر (آب رفته باز آمد بجوی) الحمد لله در این عهد فرخنده مهد مدرسه فلاحی برپا شده دولت علیه سالی مبالغه کزانی مخارج مرحمت میفرمایند بعلاوه مواجب و مرسوم بسیاری بمعلمین اروپائی عنایت میشود که علم فلاحت و معماری و بیطاری و غیره را که متروک شده بود در ایران منتشر سازند

از دست و زبان که برآید • کز عهد شکرش بدر آید

مکتوب از نجف اشرف

( قابل توجه علمای اعلام و رجال )

( خیر خواه دربار کردون وقار ایران )

ترباک و مال حال ترباکیان

( از شماره ۲۸ )

هفتم [ضرورت تجارت] امروز رشته بزرگ تجارت ایران ترباکست هر سال تخمیناً حاصل ترباک ایران ده هزار صندوق میباشد فریب پنجهزار صندوقش در خود ایران صرف میشود و این ضرر بزرگ است بر تجارت ایران - اگر ایرانیان توله کھیدن ترباک بنمایند در سال آقدر وجهی که بترباک میدهند و از ثروت خود میبکاهند

همان مقدار وجه از ملت و از کون بخت چین دریافت نموده بر ثروت شخصی و نوعی خود میافزایند - ولی ما ازان روزی خوفناکیم که ترباک ایران کفاف ترکیان ایرانی را نماید و از هندوستان و غیره بایران ترباک بیاید بیله چندی دیگر اگر دولت ایران اواصر مؤکده در منع استعمال ترباک صادر نماید آروز وخیم را هم ایرانیان خواهند دید

هفتم ( فقر ملت ) چون این مراتب مذکوره در ملتی ظهور نماید فقر و مسکنت از هر جانب بر آنها هجوم آورده نوع ملت را ذلیل اجاب و شیران را روبه مزاج و مقهور اغیار میگرداند - بزرگان دین فرموده اند ( کاد الفقرا یكون حکمرا ) مصداق ایتمثال دراویش و کدایان که اکثر ایشان یا ترباک یا بنکی که قسمت بزرگ ملت ایران بشمار میروند بلا استثناء بیعاز و بی روزه و بیدین و هرزه و در اغوای اطفال خلق و تکثیر نوع خویش سعی و در بلاد خارجه و داخله در سیر و تمسکدی و تضييع آبروی ملت و دولت خویش اند اینقدر اسال ازین دراویش و کدایان بمراتی ریختند که در نجف کسبه بحکومت محلیه شکایت بردند و ار حکومت محلیه امر بنایب ایران مقیم نجف شد که ایشانرا نفی بلد به نمایند - بعد از آنکه فراشهای نایب بمعاونت پلیس عثمان متوالیاً دو روز آنها را دسته دسته بیرون میگرد - بازم تمام بازارها و کویها پر بود - یکی از اسدقاء می گفت که رئیس پلیس بقائم مقام عرض کرد - افندم اینها تام نمیشوند من پشه خاکی از زمین میجوشتند - خود در بازارهای بغداد دیدم درب دکان یهود مدح علی و نظریه حسین بن امیراسراپند - تعجب در این است که بزرگان ایران این گروهرا اولیاء الله میندازند - حسب کثرت اینها پول دادن بزرگان باین جانوران است - عجب تر آنکه بزرگان ایران ارهوی دراویش بی نماز بنکی بیناک اند و از آه دهقانان و اطفال خوردسال ایشان غافلند مسلماً و جبهیکه باینها داده میشود از قوت لایموت دهقانان آواره از وطن است

نهم ( قاتل رجال و ضعیف اسلام ) چون یکی از احکام قوانین شریعه مطهره اسلام دفاع و جهاد است امروز بر هر مسلمی فرض است که دفاع از وطن عزیز و سعی در زرقی و حفظ استقلال ملت و دولت اسلام نماید خصوصاً

در این زمان که اغیار از هر طرف هجوم آورده و در برادری دین میس و اضمحلال دول اسلام کوشش بی اندازه می نمایند ما هم باید در مقابل آنان در ترویج قانون شریف محمدیه صلی الله علیه و اله و اعلاى کلمة اسلام و حفظ بلاد مسلمین از مهاجمات اعداء دقیقه فرو گذار تمام ولی افسوس و درینج که نصف ایران مارا تریاک و نصف دیگر را موهومات لاطائل مثل اینکه میگویند که امروز جهاد بر ما جائز نیست و دنیا را کفر باید بگیرد بیحال کرده این است که خون در بدن ما قاسد و عبرت و حجت از ماها معقود شده باید در عین استقلال و اقتدار دست بروی دست گذاشت، وطن عزیز و بیصه اسلام را تسلیم احناف بنمایم مساجد و معابدمان کلیسیا و میخانه - مدرس و مقارمان دعوت خانه کشیشان و اسطبل ستوران و مرافقه جات شرعیه مان در حضور کشیشان سرائی و آندین بدین اسلام محکوم حکم پیروان صلیب باشیم - خداوند بوسیله نبی در نی میفرماید - ( ولا جعل الله علی الکفرین بالمؤمنین سییلا ) -

سبحان الله آخره ما اخلاف آن غیرتمندای هستم که هزاران سال حکمران عالم بودند و از سلاطین شرق و غرب دنیا ناس می گرفتند و اراضی وسیع آمیا تماماً کدکوب سواران ایران بود ایک چه شده که وطن عزیز خود را از دستبرد اتوامی که چندی قبل محکوم ما بودند تکمیل نمی توانیم نمود سبحان الله در اندک زمانی آری از اخلاق گذشتگان در ما باقی نمانده است

از بسکه منعکس شده اوضاع روزگار  
کبک از محیط خیزد و ماهی ز کوهسار  
گشتست و از کوه همه کارهای خلق  
زین مردم نه بهره و کوهون بی وقار  
مر عاقل به زاویه کشته محتج  
مر قاضی به دایه کشته مبتلا

ارتمعد دور شویم چون مضایع و مفاسد استعمال تریاک بر هر عقل سالم پوشیده نیست و باعث اضمحلال نوع ملت و انکسار شأن و قدرت دولت است پس بر اولیای دولت علیه ایران عرض و متحتم است که تدابیر صائبه و اوامر مؤسسه در منع استعمال تریاک در ایران بفرماید

چنانچه تدابیر حکیمانه دولت انگلیس در هندوستان و روس در ترکستان و ژاپون در جزایر ژاپون و قارموزه نتایج نیکو بخشد و چندین ملیون نفوس را از صدمات مفاسد این مرض مهلك رهانید - امیدواریم که دولت ایرانهم بزودی در علاج این مرض مهلك موفق گردد و این بلای مبرم از وطن عزیز ما محصل اصلی خود که چین است عود نماید - از چندین کرور تریاکیان هند جز چند نفر ایرانی در امام بارهای بمبئی کسی نمانده بقیة السیف تریاکیان را که قریب سیصد نفر ایرانی بودند پارسال دولت روس از حدود خراسان و استرآباد بخاک پاک ایران گذرانید - بهترین و - تل بجهت ترک تریاک در ایران جلب نمودن انواع حیوانات و دواجاتی که اطباء بجهت معالجه این مرض اختراع نموده اند و مجبور نمودن تریاکیان را بمعالجه و ترک آن و فرامین مؤکده در منع استعمال تریاک و حبس و زجر تریاکیان و انحصار تریاک در تحت یکی از ادارات دولتی چنانچه بعد از مسامحه مقدار حاصلات تریاک صاحبان آن ماذون نساختند که حبه تریاک در داخله بفروشند الا بتجاریه که حل بخارجه می نمایند آنهم باطلاع و نگرانی صادقانه مأمورین آن اداره و ثبت دفتر و فروش تریاک در داخله ایران منحصر بشعبات آن اداره باشد و بجهت معالجه بعضی امراض ماذن طیب داده شود تا بآبداری مأمورین در اجرای احکام دولتی در عرض دو سال بکلی استعمال تریاک از صفحه ایران محو خواهد شد و از طرف دیگر هر ساله مبالغ خطیره باید خزانه بیت المال خواهد کردید ملت و دولت ایران را روتقی جدید در امورات ملکی و تجارنی و بتبکی حاصل خواهد شد درین مورد چشم داشت و امید ما ایرانیان بالطف خسروانه و نظر دقیقانه اعلیحضرت هایون شاهنشاهی و ولی امت مهربان و تدابیر حکیمانه حضرت امیر اتابک اعظم و توجهات علمای اعلام شامل حال و کافل احوال ایرانیان باشد این ننگ بزودی از صفحه تاریخ ایران رفع خواهد گردید والسلام علی من اتبع الهدی فدوی ملت و دولت ایران (احمد)

مکتوب از شریعه کوفه

الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور

مؤیدالاملا در شریعت سکوفه مدنی بود از کثرت معاشی ما و با صلاح خداوندی باران رحمت نمی بارید

از قرار مسموع سید حسن نام نجفی که یکی از زهاد است رفته به نجف میگوید چون آمدم نزدیک شنافیه بچادر سیاهی رسیده از مال پیاده شد. در چادر نشسته دیدم چند عدد کوسفند لافز که جر پوست و استخوانی از ایشان باقی نبود در ریش چادر خوابیده سپس ضعیفه را دیدم چند عدد نان جوین خشک مانده در طبق گذاشته نزد من آورده هزار زحمت دانه از آن را خورده باقی را گذارده و برخاسته سوار شدم قدریکه از چادر دور شده بدرگاه الهی نالیدم که بارالها تو ارحم الراحمینی جمیع حیوانات و کوفتدان و مخلوق تو از دست رفتند و صفاق را کرانی گرفت ماران رحمت را از ما باز مدار. مشارالیه میگوید درین مذاکره بودم که از عقب سر صدای سم اسب شنیده رکشته دیده سید بزرگواری بالای اسب سوار است همین که رسید سلام سک کرده جواب داد. گفت پیر دل شکسته چه مذاکره داری جواب دادم از خدای خود استغاثه میگردم کجا آنکه ذکر شد. سید موصوف گفت بدان امسال علت نیامدن باران آن است که در حوف زمین تخم ماخ بسیار بود اگر باران میبارید تخمها زنده شده حاصلها را خراب مینمود در اواخر این ماه که اول ذیحجه باشد باران آمده جمیع اجناس تنزل خواهد نمود سپس هرچه نگاه کردم کسی را ندیدم ازین حال که ندانسته در خواب بود یا بیدار متحیر بودم. تا چند روز بعد باران رحمت بارید و شطکوفه طغیان کرد و حال آنکه وقت زیاد شدن آب نیست اطراف هنده مقدار یکصد هزار من جو کاشته بودند از طغیانی شط همه صیراب شد و قیمت جمیع ماسکولات بمقدار تنزل نمود و همراه همه سبز و هرم گردیده است.

چند بوم قبل دو ساجه در شریعت کوفه حرق شد و در آن ساجهها زواری بودند که از زیارت عرفه کربلا عودت مینمودند کویا این دو ساجه مصادم با یکدیگر گردیده بودند. در ساجه اول چهار زن و یک طفل حرق شده زن از غرق نجات مییابد جنازههای معروفین تاکنون از آب پیرون نیامده است. ساجه دوم در

اب غرق میشود و دوازده نفر زوار در آن بوده تماشان سالم پیرون میآیند.

این ایام دو زن فاحشه را یکی نجفی در خندق سهله اقوامش بقتل میرسانند و بارخت لباس دفن میکنند و دیگری از بلد دیگر بوده او را نیز اقا شتر قتل میرسانند.

الیوم که یخبند ۱۶ ذیحجه میباشد در شریعت سکوفه طوفانی شدید شده هوا تیره و تاریک گردیده اندازه که اهل بازار چراغ روشن کردهاند بعد از چندی آرام گرفت خداوند زواری که برای زیارت غدیر راه آب در لیم و ساجه به نجف اشرف میآیند ترجم فرماید از قرار مسموع حین شدت طوفان یک لیم مصادم میشود ساجه و او را دو نصف میکند و او را که در ساجه بودند تماشان حرق شده ولی همه سلامت پیرون میآیند بلذیک سید محمد نام. پسرش که از اهل هنده بوده غرق میشود

### مکتب از کیلان

مدیر دوزانه محسن جلیلتین را زحمت عرض مدت سه سال درین آرزو هستم که حضراتی کلایه کیلان و طوالش را با تاریخ آن از روی تحقیق و وضع سیاسی و طبیعی حاله آن را اداره عرض نمایم افدوس سکرتاری درجه اسباب بر بستانی هواس گردیده که هر چه دست زده اقص و تا تمام مانده است اینک محض مزید اطلاع. ای. بعضی حالات را عرض مینماید

از قرار تقریر کهن سالان این شهر شهر بخانه سال است که نمکت طوالش از حکومت آذربایجان مجزی و ضعیفه امانت کیلان سکریته ست و از آن روز تاکنون باعث عزل و نصب حکمرانان کیلان اغتشاش و اختلاف طوائف بوده بعلت اینکه باشندگان طالش ملها درجه خونخوار شجاع دلیر ناظم و بی تربیت هستند از این رو هیچ حاکم و مأمور نمیتواند از عهده ایشان برآید. این اقوام ابداً بحکام خارجه اعتنا ندارند سناه علیه حکومت طوالش مختص است بخوانین و نجیبای نا کفایت خود طالش. ولی تعیین حکومت ایشان از جانب ابالت کیلان است. فرقیکه بجهت والی کیلان دارد همان عزل و نصب

خوانین طالش است محض منافع شخصی اگر یکی را منزل نمایند فوراً هموزاده او را بجای وی منصوب میدارند و بنابر تغییرات و تبدیلات حکومتی همیشه عداوت بین خوانین طالش بوده و بی جهت و سبب خون هزاران بندگان خدا را در میانہ بناحق ریخته هزارانخانه و کاشانه زبردستان بیصاحب و ویران گشته است

امروز در طالش مقتدرتر از خانواده مرحوم فرج الله خان که والد (عمیدالسلطنه) باشد نیست - سی سال کامل است حکومت طالش هماره بمهدیه نصرالله خان عمیدالسلطنه (که از اولین رجال شجاع - دلیر - غیور - با قوت - و ضریب نواز - وطن پرست است) میباشد مشارالیه دارای دوهزار سوار جرار است که در حین لزوم بی مبالغه میتوانند با بیست هزار قشون اجنبی مقابله کنند مادئیکه از طفولیت دارند همانا اسپ سواری و تیراندازی است

عجب تر آنکه هرگز عادتیکه هزار ساله خودمانرا باوجود همجواری باخارجه تغییر نداده باهمان شال دست بافی و کلاه پوست بره یک منی و باهمان چارق بند ریسائی زندگانی مینمایند تغییرات آنها فقط منحصر است به فنکهای نو بر و فنکهای جدید از هر طرف بدش نظر میکنی تمام فنک است جز این عادت قدیمه را در امور زندگانی از دست نداده اند

خلاصه عمیدالسلطنه تمام سکنه طوالش که تقریباً نصفشان سنت و جماعت میباشد بدرجه قادر و مسلط و غالب است که احدی قدرت سریعی ازجان و مال درراه او ندارد - چه عمیدالسلطنه خیلی متمول و محتاج بهیچ چیز نیست از طفولیت بدوست کاری و صحیح قولی نیک نام و بلند آوازه شده ازین است که محبوب القلوب تمام طوائف طالش گردیده است - علاوه سفره گسترده اش بروی مؤمن و کافر ضریب و بومی دوست و دشمن باز است ازین جهت مخارج او نیز بسیار میباشد - سیزده سال است جناب مستطاب قبه الامام حاجی قارضای مجتهد سلمه الله تعالی که یکی از علمای بزرگ کیلان و درغول و بزرگوارای انکشت های کیلانیانست - چند جریب ملک در بلوک طالش موسوم بطالش دولاب بقیمت خیلی نازل خریده و امروز که تمام املاک کیلان ترقی کرده - تقریباً

بازده هزار تومان مالیه حاصل بر میدارد و چنانکه رسم ایران است ارباب ملک صاحب رعیت هم میباشد و لابد مالیات املاک را بدولت صاحب ملک میپردازد - بر واضح است اگر ارباب ملک - صاحب نفوذ و قادر بر نگهداری رعیت خود است حکام بلکه والی نیز در امورات جزئی و کلیه از او ملاحظه مینماید - اگر احياناً عاجز و پیدست و یا باشد پناه بر خدا

مسلم است جناب حاجی آقا رضا یکی از آن اربابان مقتدرت است. و جناب عمیدالسلطنه نیز چون مقتدر و استبداد رای دارد بطبع سلیمش موافق نیامد بدو حاجت را کنار گذارده ابراز نمود یا املاک را بفروشید یا اینکه بازارعین شما همان رفتارخواهم کرد که با رعایای خود میکنم - جناب حاجی آقا رضا نیز زیر این بار نرفته باخوانین طوالش یعنی آنهایکه مدعی عمیدالسلطنه بودند بجای وصلت و خویشاوندی گذاشته که بتواند درمقابل او ایستادگی نماید تا اینکه چند نفر را باخود همدست و همدستان نموده فی الواقع خوب همسپد شدند

رفته رفته آیره عداوت مشتمل و آتش فساد و شرارت منتشر گشته در میانہ سالی حاقه الحطب شد کار بجائی رسید که هر یک از طرفین متجاوز از پنجاه هزار تومان خسران دیدند و هر چه سعی و مجاهدت شد کار منازعه فیصله ننگرید - سبب اقامت عمیدالسلطنه که با شصت سوار مدت شش سال در طهران توقف داشت همین نیرمستگ بود - تا آنکه مسافرت نانوی بندگان اعلیحضرت اقدس هاپونی پیش آمد و لارم شد که یکی از رجال کافی راه اتزلی و آستارا را از ساحل دریا تسطیح و تعمیر نماید - آنچه ایزراه برای احدی فایده ندارد مختص عبور اردوی هاپونیست ولی این قرعه بنام جناب عمیدالسلطنه افتاد که شش منزل راه را بسازد و سیورسات شش روزه اردوی هاپونی را که کتر از پنجهزار سواره و پیاده نخواهند بود تهیه و تدارک کند با این دستور العمل جناب عمیدالسلطنه وارد رشت گردید

در این بین جناب نصرالسلطنه امیر اکرم که صافی عقیدت و پاک طینت و خلوص نیت سرشت اوست - بمجرد رسیدن عمیدالسلطنه در دارالحکومه حاجی آقا رضا را احضار و فمابین آنها اصلاح کرد و هر دو محترم را

از خسارات و زحمات نجات بخشود

(سولح مری جناب حاجی زین العابدین آقا قی اف)

﴿نمرة ۸﴾

(ن آدمی هریفت بجان آدمیت)

(نه همین لباس و عناست نهان آدمیت)

(اگر آدمی بجانست و دهان و کوش و بینی)

(چه میان نقش دیوار و میان آدمیت)

(اگر این درنده خون ز طبیعتت ببرد)

(هم هر زنده مانی به روان آدمیت)

آه که درنده طبیعتی همچون سیل بیان کن  
و یا تکرک غارا شکن بنیاد هستی ما را خراب ساخته  
و شکستی بلند و پستی ما را در کرداب فنا  
انداخته و حدت حرارتش همچون کوره حدادی اساس  
زوتماز باکداخته و مستیش چنان حجاب جهالت و  
نادانی بر روی دیده ما کشیده که تا (بوم یفخ فی الصور  
قانون افواج) حقرا از ماطل و دوسترا از دشمن  
نشناخته (املم اعین لایبصرون بها ام لم افان لایسمعون  
بها) نه دیدیده بینا که این همه بدائع که قاف تا قافرا  
فرا گرفته مشاهده کنیم و نه کوش غنما که این همه  
صداهای صخره شکاف را اسفا نایم رعایت به نفس  
واحدی از هم ملتان و هموطنان را سم قاتل و ملای عاجل  
میدانیم - و اگر روزی بر فرس عاریتی نشستم چنان  
یکسره و بی ملاحظه بساحت هستی زردستان و  
عاجران برانیم که آوری از آثار آنها باقی نگذاریم و غبار  
وجودشان را بباد ضرور بگردون رسانیم محبت معرفت  
در خان معدوم و اظهار تقویت تربیت در طبعمان  
گله است موهوم وطن برستی و دولت خواهی را  
حرف جمل میخوانم و ملت پرور را هوای میدانم  
اگر کسی گوید بهترین و اشرف ترین اعضای هیئت  
جامعه و متمدن ترین عهد کسی است که در اعمال خیریه نافع  
عمومی به ابناى جنس خود خاصه در حق اهالی وطن عزیز  
خویش خدمتی بنماید البته در نزد ارباب تمدن مقام رفیع  
ورثه جلیل دارد زبالشرا فوری مستحق قطع کردن میدانیم  
یا خامه اشرا بلا تأمل درهم شکسته خانه و کاشانه او را  
پست می نایم بچاره کوبیده این گونه محبتها در مورد  
استهزاء و زحمت است و مدنی متهادی باید صحائف  
لمن و وطن مردم را وی خود باز دارد

(انها که نیست حب وطن در و جودشان)

(ایسکاش باد فتنه رود خائنانشان)

سازین باید شریعت و طریقت ما را سرقت کنند  
و هر یک بجهت او نامی وضع کرده و بدون کم و زیاد  
معمول نمایند و در همه محاکات عدلیه و نظمی و... و  
بحری دارند کجا رواست که بیگانگان از برکت شریعت  
که خاصه ماست متمدن کردند و عالم ظلمت را از  
سکشیات حقایق با علا درجه کمال در کمال دقت  
در آورند و علوم معرفت و ارتقاء تربیت را بجای  
ارتقاع بدهند که عقل دور اندیش و وهم بلند  
اساس ما از تصور آنها عاجز و سرانگشت تبحر بدهان  
تمجب گذارد در عوض آنکه ثروت مسروقه که اساس  
شریعت برای ماست استرداد نایم و جهالت طبیعی را فرو  
گذاشته و بودیعه الهی که قانون مصدر نخست است عمل  
نایم تا بلکه بحسب اول باز گردیم از زحمت و ثروت  
خود چشم پوشیده بر سر سفره دیگران می نشینیم  
و کار دیگران را به احسن وجه رواج داده خودمان را  
سراسر محتاج میکنیم (آوخ آوخ دین و دولت شد نیام)  
بعد از این (حاجی) بوسال دائر کردن اداره کاسی  
در بادکوبه رسید ولحقی در صحن گلستان آرزومندی  
خرامان خرامان چید باز متذکر بود به ستغاه هل من  
مزید که دیگر پیشرفت مقاصد در ترقیات این ملت  
ضعیف چیست تا آنی غفلت نوزد و همیشه در  
تکفر و هماره در تدر که هوش آوردن غفلت  
زدگان چیست و محرك این فرقه مسخیر و هشیار  
کننده آنان کیست به اطرش رسید که کتب مؤلفه که  
بزرگان و دانشمندان نوشته و لباس آب دیده و در  
افکار سفته اند چاپ کرده بحسباً در میان مسلمانان  
تقسیم نماید بهر طرف صلاهی عام در داد و مقصود  
خود را بر طبق نوع پروری و ملت پرستی نهاد تا این  
خبر خوش اثر به رسو رفته کسانی که سالهای دراز  
و مدتهای دیر باز باین آرزو بودند و خواب استراحت  
بجهت زحمت چندین ساله و بمقصد رسیدن نمی نمودند  
کتابها را جمع کرده و از هر جانب عاجلاً تاخته  
و از شدت محبت یا از سرشناخته و به حضور وی  
کتابها را حاضر ساخته من جمله دو جلد کتاب از  
تالیفات و تصنیفات جناب ملا عبدالسلام آخوندزاده

اول تاریخ مقدس - دوم نهی مسکرات - سیم کتاب میرزا ابیاس بیک در مکالمه فارسی و عربی و ترکی و روسی - چهارم کتاب سلطان مجید غنی اف در تفسیر آیه تالی - پنجم کتاب آقا سید عظیم شیروانی در اشعار که مشتمل بر بند و ناصح است - هشتم کتاب زبان بیک زبان اف ترجمه حالات نادر شاه افشار افراقة برهانه - هفتم کتاب اسماعیل بیک (کیرنیر) در هیئت و جغرافیا مترجم زبان روسی - هشتم کتاب ریمان بیک زبان اف کلید ادبیات - جمع و حرج این کتابها پس از اتمام از طبع هفت هزار و بانصد شصت منات درآمد پس بهر یکی از کتابها نگریده و بفرای خور زحمات ایشان بذلی فرموده در حقیقت خدمتی نمایان نمود و زحمات چندین ساله حضرات را ننگذاشت هدر بشود و طاقت ستاره اقبال از فلك آمالشان سرزده بمراد خویششان رسیدند و کشته چندین ساله خود را بدرویدند - در کمال فرح و ابسط تشکرات بلا نهایت نمودند هر یک ادعیه خالصانه ارسال داشتند (حاجی) بجواب حضرات مبادرتی نکرده فرمود (من در عالم تمدن این نوع خدمات را محض خوشنودی چند نفر نمی نمایم بلکه مرادم خدمت نمودن بنوع خود و ابناء وطن است - و وظیفه خود میدانم و تاریخ حیات ابدی می پندارم) و کتابها را تمام و کمال باطراف ارسال داشت که در میان طوائف مسلمانان و مدارس و مکاتب تقسیم نموده بجاناً داده باشند کتب مذکوره غیر کلید ادبیات نامی ترکی و عربی بود و کلید ادبیات بزبان فارسی است (باقی دارد)

### ◀ دیباچه ▶

( بنام ایزد بخشنده مهربان )

( سبب تالیف )

§ من بنده جعفر محلاتی را در بیست و سه سال قبل هوای تحصیل و درك علوم و آگاهی از بحاری حالات ابناء نوع قالب آمد خواستم که بمفاد

لا فضل الا لاهل العلم اهم

علی الهدی لمن اسهدی ادلاء

اگر باطن خود را نتوانم بالکلیه بزبور علم و دانش بیارایم اقلاً در جرك متعلمین محسوب آیم که گفته اند (ملا یدرک کله لایترک کله - فان العلم بالبعض - خیر من

الجهل بالکل) بمنزوم همین نیت بسیاحت اقدام و حق المقدور بحصول علم و شرایط ادب قیام و همواره در حصول مقصود باطوائف متعده معاشره با دانشمندان و ادبای ایشان مجاور و محاور بودم تا پس از چندی بدارالسلطنه (مسکو) که سواد اعظم ممالک روسیه است گذار و در این بین از حسن سلوک و مهر بان اصالی این جایگاه نیکو را برای اقامت اختیار و شروع به تعلیم طریقه رفتار و آراختن شیوه گفتار روسی نمودم زیرا که آگاهی و اطلاع از حالت قومی منوط برداشتن طریقه محاوره ایشان است - چون فی الجمله محاوره با ایشان آسان گردید بشوق خدمتگذاری ابدوات قوی بنیان اقدام و طاقت الامر از ثمرات تهجسات اولیاء دولت ابد مدت در معلمخانه مبارکه السنه شریعه مسکو که نخستین مدرسه السنه شرقیه ایدولت نوبشوکت است و اکثر مأمورین دولت بهیه روس که در مشرف مشمول انجام خدمات هستند از تربیت یافتگان این معلمخانه مبارکه اند سمت معالی و مترجم مرحمت گردید چون مدتی را در انجام خدمات محوله سعی و مجاهدت نمودم در فکر زیارت وطن مقدس و اطلاع از حالت کرامی ملت خود اقدام فلینذا در سنه (۱۸۲۹) میلادی مرخصاً روانه وطن اصلی شده احباب واقارب از نتیجه زحمات چندین ساله خیریت که تحصیل زبان روسی و فی الجمله فرانسوی بود مشعوف گردیده و تبریکم فرمودند چون در تفتیش احوال بر آمدم معلوم گردید که در این عهد همایون هالی وطن بحکم (الناس علی دین متوکلهم) میل تام و رغبت تمام بر تعلم لغات و علوم اروپائیه دارند و ملاحظه اتحادیکه اکنون مابین دولتین معظمین روس و ایران ملاحظه میشود جزو اعظم میل و رغبت ایشان مصروف بتعلم لغت شریعه روسی است در عهد شمردم که پس از معاودت و جزئی فراغت ورقی چند بعنوان خدمت بدین (دو آستان) و اجنای جلس خود مسوده نمایم و فاء للمهد مختصر کتاب محاوره بدین دو زبان تالیف و در سنه (۱۸۸۳) میلادی در مطبعه شهر (قازان) بزبور طبع رسانیده پس از آن بتالیف صرف و نحو فارسی بروسی که یکی از نغمه آن کتیپ بود پرداخته و در سنه (۱۸۸۴) در هان



دارالطباعه بحلیه طبع رسانیدم چندی نسیکذشت که خوشبختانه فواید آن کتب محسوس گردید یعنی از مرجا در خصوص منافع آنها اخبار سرت انگیز نیل مقصود میرسید تا اینکه در چندی قبل جی از اجاب که رای ایشان همه سوابست از خاکسار خواستی فرمودند که مجدداً کتابی تألیف شود که حاوی مزایای چندی باشد که اولاً زبان فرانسوی که زبان رسمی بین الدول است بر ترجمه روسی آن افزوده گردد و ثانیاً در این کتاب زیاده شود عین عبارات فارسی بخط روسی تا فارسی زبانا زودتر بخط روسی آشنا سازد و هم روسها را صحت قرائت و درستی عبارات فارسی سهل تر بدست آید. ثالثاً مقالات و محاورات این کتاب خواه اطلاع ارقوانین سیاست و یا بیان مسائل و موضوعات تجارت و خواه گفتگو از انواع صناعت و رراحت هر آنچه ذکر میشود از مبانی واقعی باشد من بنده بالزام زیادتی این سه فایده امتثال این خدمت را قیام و ترتیب و تألیف این اوراق اقدام نمودم ولی از آنجائیکه نکته گیری ارباب فضل و هنر بهترین وسیله اصلاح تقایص افعال و اقوال بشر است خاکسار نیز ورقی چند از این محقر رساله بنظر کیمیا اثر جناب مستطاب اجل اکرم آقای میرزا محمود خان علاءالملک سفیر کبر حایه دولت علیه در دربار اعلیحضرت سلطانی دام اجلاله العالی و جناب جلالتهاب اجل اکرم آقای میرزا رضا خان دانش ارفع الدوله وزیر مختار و ایلی محسوس دولت علیه مقیم دربار اعلیحضرت امپراطور اعظم روسیه دام اقباله العالی که الحقی ضمیر منیر این دو بزرگوار سفیر دانش کسرت و این دو ترقیخواه وزیر ملت پرور عزیزین است بانواع علوم شرقیه و اقسام معارف فیه و کرامی وجود این دو مشوق امیر قدردان سرمایه امید و افتخار وطن پرستانست رسانیدم از بذل توجهات خاص که شیوه ملت دوستی ایشان است قرین مفاخرت و باختتام رساله ام اشارت فرمودند این بنده بی مقدار پس از اطمینان بفواید این کتاب با کمال دلگرمی بانجام آن کوشید بامید این که اولاً طلاب مصلحانان من بوره را که پس از اتمام تحصیل هر یک در آن صفحات از جانب اداره جلیله وزارت خارجه و داخله صدر خدمات عمده خواهند شد در تسهیل قلم

مددی و کذک دولتی را که غریق احسان و نعمت آتم بمنزله خدمتی باشد و ثانیاً طلاب محترم دارالفنون مبارکه طهران و همچنین مأمورین دولت قوبه ایران مقیمین ایالات متحده روسیه و تجار و مزدین باین سامانرا که یکی از اهمیت در اجرای مقاصد و القای نیسات اطلاع و آگاهی از لغت شریفه روس است در طریقه تحصیل سهولتی باشد بالجمله تمجید توضیح اینخطاب بر جنابان پراقبیران اعظم مسیو (کرش) و مسیو (میلر) و مسیو (پوتیه) پراقبیر زبان فرانسه که از مشاهیر علمای اینصنند میباشد که سنده خاکسار را از این مراتب آگاهی بخشیده اند

پس از اربابان ذکا و اخوان طریقت و صفالیاس آلتکه در اصلاح عثرات این اوراق صرف توجه فرمایند و نظر بر اینکه هر کرا تکلیف بقدر وضع است بر این خاکسار خورده نگیرند (جعفر معلم و مترجم)

### ◀ معاون هندوستان ▶

§ آنچه از رویداد محکمه حفظ الصحه معلوم میشود هفته گذشته تلفات طاعونی هندوستان در تمام هند (۱۱۶۱۲) نفوس بوده و نسبت هفته قبل از آن خیلی تخفیف یافته است در شهر بمبئی (۳۹۱) در علاقه بمبئی (۵۸۳) در گراچی (۱۲۲) در مدراس (۱۳) در کلکته (۲۸۰) در نکال (۲۳۷) در بمبالی (۲۳۷) در شمالی (۴۰۱) در صوبه بجات (۹۱۹۷) در میسور (۷۰) در کشمیر (۲۱۲) در راجپوتانه (۶) در برار (۴) سال گذشته در همین ایام تلفات طاعونی تمام هندوستان (۲۵۹۲) بوده است

### ◀ خودکشی ▶

§ یکی از سپاهیان (پشاور) هشتم ماه جاری مسلماً روانه صدر بازار (گردیده) و بدون تمهید مقدمه زنی را از بومیان که شاید با او سابقه آشنائی داشت هدف کلوله ساخته - سپس طباغچه نیز بر سر خود خالی کرده مغز خویش را پراکنده نموده فوراً جان تسلیم میکند ضعیفه من بوره را نیز پس از آنیکه بشفاخانه بردند وداع زندگانی گفت

### ◀ دولتین امریکا و چین ▶

§ سراقان امریکا به ریاست مستر [پیربات مارکین] شراکتی تشکیل داده از دولت چین خواستگار امتیاز

ساختن راه آهن [بیکن] الی [جنکس] گردیده سرمایه این شرکت یک میلیون و نیم [پیل] که سکه طلاست چین است میباشد مسموع میشود که شامله [جنک] امتیاز ساختن کارخانه آهن را کرا بذریعه لوله های آهن به [ستر دنهی] که یکی از تجار امریکا میباشد داده است

➤ مستوجب مراعات انسانیت بمانند ➤

§ اگر از روی بصیرت ملاحظه کنیم و از واقعات یومیة این قرن تجربه حاصل نمایم معلوم خواهد شد که مستوجب مراعات انسانیت که اهالی اروپا دعوی میکنند همانا عیسویت را قرار داده اند و پس در هر مورد و محل که یکی از اقوام ذبحی که خارج از عیسویت بوده ولو مورد هرگونه ظلم و ستم واقع شده مستوجب رحم و همدردی نشمرده اند (میجروالر) سردار امریکائی سلوکی که با اهالی (فلپائن) نمود ننگ تاریخی بروی تہذیب جدید نهاده است شجاعت فلپائن اقوام اسلامیہ آن حریر اند و این اقوام بواسطه فرمانی که از سلطان عمانی در تسکین آنها صادر شده بود (یعنی میجروالر) در روی حکمت عملی این فرمان را صادر نمود بیوج وجه شریک تفاوت و بلوا نبودند مملکت (میجروالر) قانون جنکی جاری نمود حکم به قتل عام داده آبادیهای عظام را آتش زد و هرکس که قادر بر گرفتن اسلحه بود بقتل رسانیده صرف اطعالبکه سنین عمرشان بده نرسیده بود از قتل معاف نموده و ابدأ مراعات حقوق مسلمانان بیکناه را نیز نه نمود. اینگونه احکام از برای امریکائیان که مدعی تہذیب جدیداند مایه ننگ تہذیب است دولت (بلجیک) درباره باشندگان (کانکوفری استیت) بنوعی ظلم و ستم روا داشته که تمام اخبارات اروپا نمایان به واطلما بلند است. همین قسم میباشد سلوک سایر دول نسبت برطیای بی پناه خود که خارج از عیسویت هستند اگر بدیده انصاف ملاحظه کنیم ظلمی که به اسم امنیت بر مسلمانان جزیره (کرید) وارد گردیده و روز بروز زیاد می شود نسبت به بیچ قوم مانعی و دشمن طامعی روا دار نتوان شد چله این سلوک را تمام دول دیده چون مثالومین خارج از عیسویت اند همه را درباره او عدل دانسته زایشان را زیاده برایشان تصور نمایند. ولی بمجردیکه اراده شور پست بلغان بکذب و افتراء نسبت ظلم و ستمی بدولت علیہ عثمانی میدهند

تمام مثل و دول عیسویہ يك آواژ قدام واطلما بلند نموده جہازات جنکی خود را هر یوظاز (داردنلن) جمع مینمایند اینها نیست مگر بواسطه عیسویت و نیز برای پیروی بقاعدہ کلیہ استحقاق مراعاتیکه از روی تہذیب جدید برای انسانیت ثابت نموده اند. گویا از زیادتی سرداران امریکائی مسلمانان جزائر فلپائن نیز بستوه آمده سربیاغیرکی برداشته و با بردارند

➤ کارسازی پولیس ➤

§ دو (ممالک متحدہ) هند پولیس شخصی را بجرم قتل یکی از عورتات مزدور گرفتار نموده در عدالت نیز جرم ویرا به ثبوت رسانیده بچاره را طناب نمودند. پس از مدتی معلوم شد زنی را که نسبت کشته شدن بر او داده بودند زنده و در محل مزدوری مشغول است و همراه مردوران دیگر در باغات چائی رفته است. این ایام در مضائق (راجسائی) لغش پوسیده از دریا بدست آورده شهود چندی گذرانیده که این لغش آن مقتول نیست که مدتی قبل بہلاکت رسیده و قاتل هم معین شده و در این مرافعه در عدالت پیش شد و بحکام اعلی رسید عاقبت حمل و تہمت پولیس ثابت شد حاکم بزرگ عدالت بر پولیس بر آشفته رئیس پولیس را بجرم قرار داده سزا بخشیده است (حق این است اگر از رای مقدماتیکه مدعی آنها پولیس است حکومت هند اصول خاصی در تحقیقات عدالت انتخاب فرماید بسیاری از کارروائی و رازهای مستوره پولیس آشکارا خواهد گردید)

➤ اخبارات داخلہ ➤

§ حکومت پنجاب چهاردهم شهر حال شفاخانہ علاج کزن دکان و ملاحظه نموده عصر همان روز وارد شملہ گردیده است

§ در قرب (کاکتیک) بتاریخ چهاردهم شهر حال (انجن) قطار راه آهن از خط خارج شده بکنفر را کفته دو نفر هم از خدمت آن مجروح گردیده اند

§ تلفات اموال و اتقاس از صدمه طوفان جدید رنگون در آبادیہائیکه در مصب دریا واقع بوده اند بسیار شده خصوصاً در مقاماتیکه قریب بساحل بوده است در مضائق (ایندابہ) و (کاندو کونگ) مواضع بسیار تلف گردیده در (ملین) و (دویا پایو) اهالی برای مردمانیکه روز سه شنبہ در کشتی سوار

و خارج شده بریشان و در تلاش اند چند کشتی در  
(پاپون) مقودالار اند و بسیاری در (دیوان)  
و سائر قبلی بی خانمان گردیده اند  
§ در ایستگاه راه آهن [نادو سکندا] قرب  
[پونه] یک قطار کالسکه راه آهن تماماً از ضربه  
طوفان از خط خارج گردیده ده نفر سحت مجروح  
شده اند

§ در کارهای رفع خط هندوستان چهارصد هزار  
و نصد ریست و هفت نفر مغفول اند  
§ مهاراجه (میسور) که مبتلای بمرض آبله بود  
بهبودی حاصل نموده است

§ جناب مستفاد می فرمود که راجا حضرت نظام دکن  
حداقله ملکه در حش آجکذاری (دهلی) شرکت  
خواهند فرمود (ببجز امیرالدوله) و (میر لیاقت علی)  
اریاب (راجپور) برای انتظام قیامگاه ایشان در  
دهلی رونق افروز شده اند

§ حکومت هند منظور نموده است که شش هزار  
روپیه صنایع سارس بدهد تا در حش نجکذاری  
دهلی دستکارهای خودشانرا شریک نماید  
باید

§ مهاراجه حیدر شیه گذشته قصد شرکت در  
حش آجکذاری درجهاز (ارمیا) روانه لندن گردید  
§ امارت نیپال نیز در حش آجکذاری دهلی هیئت  
سفارتی کسبل خواهد نمود

§ حکومت هند را اراده بر این است که قانون جاری  
نموده اهالی هند را مطلع سازد که هرکس اراده رفتن  
به (استرلیا) داشته باشد تازوقتی که یکی از آلسنه اروپا را  
نیاید ممنوع از فرود آمدن بخاک استرلیا خواهد گردید  
§ در مقام (نیوی) بمبئی حرقی واقع شده هشاد  
گاه را خاکستر نموده است بسیاری از مردم بریشان  
حال گردیدند

§ در تالار بلدیة (سمنارن پور) بصدارت قاضی  
عدالت باز یافتگان شهر انجمن نموده قرار داده اند که  
در سخن تاجکذاری اعلیحضرت (ابورد هفتم)  
جراخان و آتش آزی نموده یک سالار همی و لفظی  
موزة مخصوص بیادکارشتم نمایند

§ مهاراجه (کوالیار) از وطن مانوف خود برای

شرکت در حش آجکذاری اعلیحضرت (ابورد هفتم)  
روانه بمبئی شده که بجانب انگلستان رهسپار کرده  
§ بیست و دوم شهر جلوی دعوت شب نشینی در شمه  
خانه فرمانفرمای هند بود مجلس رقص بیست و ششم  
قرار یافته است

§ جهاز (کامورنا) که باید یوم پنجشنبه دهم شهر جاری  
وارد رنگون شود تاکنون خبری از او رسیده چهار  
(مکنا) برای باز یافت خبر و اثر وی روانه شده کویا  
دچار طوفان غرق شده است

§ یکی از زارمین (مالا) پس از فراغ از کار خود  
بخانه خویش معاودت می نمود بین راه صاعقه روی  
نارل شده هلاکت رسیده است

§ دفتر اطباء که برای ترقی تعلیم مسلمانان جنوبی  
هند بنا شده روز افزور در آید است چهل و  
نه هزار روپیه جمع شده بود حاتم جدید هزار روپیه  
اطباء نموده (حسین مسترادم) بیست هزار روپیه بذ  
فرموده - بقصبت که وجوه اطباء یک صد هزار  
روپیه برسد (مستر ککوبال آیر) وعده نموده که  
پنج هزار روپیه - رحمت نماید خوب است صاحب  
زویان اسلام هم بعزت آمان تاسی به اجاب حویبه  
و در تعلیم اناسی اسلام و هم وطنان خودشان زاده  
راین بذل همت فرمایند

§ اعلیٰ مقامات بعضی از خطوط راه آهن بین گرجی  
و حیدرآباد خراب شده آمد و شد قطار کالسکه راه  
آهن مسدود گردیده است

§ مسند اشینی مهاراجه (میسور) هشتم ماه اکت  
مقرر گردیده (لاردگز) و ماعومای هند نیز در آن  
جشن حضور بهم خواهند رسانید

§ جماعتی از طایفه مسعودی وزیر مغفول زراعت  
شده میگویند انتظام جدید بسی ضایسته است من بعد  
آنان در هیچ بلوا و بغاوتی شرکت نخواهند نمود

▶ طاعون پنجاب ◀

§ فهرست طاعون صوبه پنجاب الی هیئتة هفتمه  
طاعون موجب قتل است

مقام	مبتلایان	اموات
شهر جالندهر	۹۹	۶۰
ضلع جالندهر	۱۹۵۳	۷۷۱

(زمانه) کانپور (که ملکہ متوفاة برای ملاحظه خود از جمیع اخبارات هندوستان اورا اتقا می باشد و همواره در خیاب عم خود مرحوم مولوی عبداللطیف موسوف رضا می نکاشت مقصود از این بیان آن اخبار دیر اوست و اخبار (مسلم طائیف) جا معینی که از او بیان کردیم دارای د میباشند برای فوایدی عامه قیمت آن را مقرر داشته هرکس طالب باشد به منیجر نمبر ۷۰ تالته لین کلکتہ رجوع نماید.

◀ کلکتہ ▶

§ درین هفته صورت گرمی هوا موا مرض طاعون تخفیف یافته روزی بیسی قمر مبتلای طاعون میکردند و تلفات بامتداد از هر مرض بجهت و پنجم الی شصت است

§ از امشب الی ده شب در دولت سرای جیب آقا سید محمد علی کرامی فرزند جناب مستطاب حاجی سید صادق صاحب آجر شوشتری شروع بروضه خوانی می شود

§ یکی از دختران هنود که سنین عمرش بچهارده رسیده بود پدرش از وی مکدر شده و یا قصوری از او دیده از خدمات خانه منعش نموده از راه غیرت دختر تریاک خورده بقتل خویش مبادرت نموده جان باختہ است

§ یکی از مأمورین اداره نمک را شبہ بخیانتش نموده پلیس گرفتارش کرده مرافقه او را در عدالت پیش نموده اند - چون بعضی شهود موجود نبودند فیصله مرافقه بروز دیگر افتاد

§ در مقام (کهدر پور) مزدوری مسکه برنگ کردن ستونهای موقوف ترموه برقی مشغول بود بفتا دستش بسیم خورده فوراً مدهوشی شده بزین افتاده در شفاخانه اش بردند حالش دگرگون گردیده با این کونه اتفاق مشکلی است بشوان در شهر کلکتہ ترموه برقی را از بالای خیابانها جاری داشت اگر در زمین انتظام شود خویش کتر است

مقام	مبتلایان	اموات
هوشیار پور	۷۴۱	۳۹۳
کرداسپور	۷۵۰	۲۴۰
سیالکوٹ	۳۰۹۷	۳۱۶۴
لدھیانہ	۲۷۰۶	۱۴۷۷
شہر لاہور	۲۰	۶
ضلع لاہور	۲۳۵۰	۱۰۴۶
اردوی انبالہ	۷	۸
شہر انبالہ	۵۱	۴۵
مضافات انبالہ	۷۹۴	۶۴۴
مضافات فیروز پور	۷۵۴	۵۶۹
مضافات کراچ	۱۴۴	۷۳
مضافات کجراتوالہ	۴۲۴	۲۷۰
مضافات کجرات	۶۵	۴۱
مضافات جہنگ	۱۰۶	۲۵
مضافات امرتسر	۴۵۲	۲۵۶
شہر امرتسر	۹	۵
امارت پٹیاہ	۱۷۵۷	۱۷۴۵
شہر پٹیاہ	۱۰۲	۱۰۲
امارت کپورتھہ	۹۴	۶۷
ٹاپہ	۳۸۵	۳۴۹
امارت جہند	۶۹	۵۴
ٹالہ کرہ	۶	۶
کلیا	۹۳	۷۰
بالرکوٹہ	۱۳۲	۱۱۳

◀ قرینہ ▶

§ اولین شماره روزنامه اردو که موسوم است به (مسلم طائیف) به دیری جناب مولوی عبداللطیف که ہم بحیثیت اصکتساب و ہم بحیثیت وراثت چسپیده و چکیده علم و مستوجب همه کونه قدردانی بزرگان ملت میباعد اداره رسیده - قطع آن مثل جلالین در هوازده صفحه است این اخبار در کمال صفائی و پاکیزگی و طبع با خط خوب و کاغذ اعلیٰ طبع میسر مقالات و منتخباتش هم خیلی پرمغز و باسلیقه است از خداوند دوام و ترقی اورا خواستگاریم مولوی (عبداللطیف) موسوف الخوی زاده مرحوم (مولوی حاسم) نگارنده اخبار

اداره جبل المتین

مدیرکل کالج استریت نمبر ۴

کلیه امور اداره

رئیس کل مؤید الاسلام است

منیجر اداره

آقا محمد جواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

تاریخ دوشنبه

۱۷ صفر المظفر ۱۳۲۰ هجری

مصادف با

۲۶ - می (۱۹۰۲ میلادی)

روزنامه مقدس

(سنه ۱۳۸۱)

قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره هیچ یک از خریداران نباید قیمت حصار را باجمعی تسلیم نمایند

# کمال المتین

ذمه دار صحت و سقم اعلامیه در احبار داده میشود همان گمان میباشد که اعلان داده اند

اجزای اداره ذمه دار صحت و سقم عواناتی هستند که از طرف خود بکاربردند و ماوس و قایع نگاران و صاحبان مکاتب و مقولات با ترجمه از سایر جراید

قیمت اشتراک

سالیانه --- شش ماهه

هند - و برمه

۱۲ روپیه --- ۷ روپیه

ایران - افغانستان

۴۰ قران --- ۲۵ قران

عثمانی - و مصر

۵ عجمی --- ۳ عجمی

اروپا - و چین

۲۵ فرنک --- ۱۵ فرنک

روسیه و ترکستان

۱۰ منات --- ۶ منات

(در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دینی و فواید ملی بحث میشود)

(مراسلات تام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزاست)

جانب نصر دقت سیاسیون گردیده است

آنچه از تکرافات (پکن) ظاهر میشود (سر ای - استو) سفیر دولت انگلیس و (پوان شکانی) وزیر خارجه دولت چین معاهده که در تاریخ سیام ماه گذشته ذکرش سقت یافته بطریق خفیه نموده بودند - از روی آن معاهده راههای آهن شمالی (پکن) - هشتاد میل فاصله اختصاص بدولت انگلیس یافته و دول سازه از تصرف و تحکم در این شاخههای راه آهن مجموع اند این معاهده خیالات روس و آلمان و فرانس را مانع از پیشرف میباید از این رو تا یک اداره مخالفت همومی پیش آمده سفرای دول مزبوره پس از اظهار اختلاف دول متبوعه خودرا اطلاع داده و با آنها در این ماده مخابره مینمایند

(لارده جارج هملتن) وزیر هند در دارالشورای ملی بانکستان بیان نموده که نائب السلطنه هندوستان درباره معاهده شکر مناسب دانسته که بمهد نامه مزبوره بای پسندی شود - در این خصوص پس از مشوره کامل قرار داد و اظمانانه را پسندیده اظهار رضایت نموده است

آنچه از تکرافات اخیره معلوم میشود استغای لارده (هوپتون) رئیس جمهوری استرلیا بواسطه چهار هزار لیره سالیانه میباشد که علاوه بر مواجر مخصوص

### فهرست مندرجات

تکرافات • سوانح عمری جناب حاجی زین العابدین آقا تقی اف • افضل الخیرات • جبل المتین • ترجمه از روزنامه معلومات • ایضاً • ترجمه از روزنامه موتیو اورینتال • اعلان • شرکت کارخانجات بلورسازی • نویس • شرح اجرت طبع کتب و غیره • نرخنامه • مقاله یکی از دانشمندان • داستان شکفت و سرگذشت یقین • حکایت نامحانه در انظم • نقل از جریده ادب افغانستان • واقعات منظومه • قانون نامه جدید شرکت اسلامی • مکتوب از بوشهر • فرمان مهر لمان شاهانه • دستخط وزارت خارجه • حب سیلوا • خلیج فارس بقیه تکرافات • اخبارات خارجه • مراسم سلطانی • اعلان • کلکتہ

### تکرافات

(۱۶ - می)

اعلیحضرت (ویلیهم) امپراطور آلمان بذریعہ سیم تکرآت دریائی از (مستر روزی ویلت) رئیس جمهوری دولت آنازونی دوستانه خواهنش نموده که بیادکار پرنس هنری مجسمه (فریدرک اعظم) را در شهر واشکنن نصب نمایند - رئیس جمهوری دولت آنازونی با کمال اطمینان منظور نموده است - بین دولتین امریکا و آلمان اتحاد و روداد روز افزون میباشد و این اتحاد

این عهد بوده و می یافت و اعضای شورا ( استرلیا )  
این وقت سلاح در تخفیف آن مبلغ دیدند  
( ۱۷ - می )

§ مخبر ( روتر ) از ( ریتوریا ) خبر میدهد که تمام وکلای  
صلح بوئر در مقام ( وریتنک ) در جمع شورای صلح جمع  
شده و کارروائی بنوع خفیه نموده اند. ولی چنان ستفاد  
می شود که انتخاب آراء آنان ذریعه قرعه خواهد شد  
§ قشون دولت انگلیس بموجب معاهده و قانون  
صلح بر آن بوژنیک و کلایشان در انجمن صلح شرکت  
کرده اند و نخرهند نمود

§ ( مستر جبرلین ) وزیر مستعمرات دولت انگلیس در  
تطبیق در ( برمنگهم ) داده است بیان نموده که امید من  
ریں است که جنبش افریقای جنوبی عموماً ختم شود  
و بی وثوق کامل ندارم که در یک جماعت کثیر که آرزوی  
صلح نموده اند هر چند که مخالفهای سابق آنها مورت  
سای شان آرزیده مغایله کاری نشود و خیالات سابقه شان  
عودت نکنند. ولی دولت انگلیس از آزادی قدیم خود  
و رأی مستقیم خویش انحراف نخواهد ورزید

§ ( لارڈ میهنون ) از حلیل انگلیس که مجراح  
و اسیر اردوی ( دلیری ) سردار بوئر شده بود اندک  
مدت جراحیست التیام حاصل نموده است و حالش وصل  
شده و رخنش کاملاً مندمل نگردیده است - چنان که  
می رود که عموماً قریب از بیمارخانه بیرون آید

§ در حریره ( سنت پیر ) بجایه نفر را بدین حرم  
گرفتار نموده اند که مشغول بفارت اموال و معیبت روزگار  
بوده و هر یک پنج سال برای قید باقی ماند

§ ملکه حلیه انگلستان روجه محترمه اعلیحضرت  
( ادورد هفتم ) پانصد لیره در دفتر اعانه ( سنس وینسنت )  
حسان نموده ( مستر کارنکی ) در دفتر اعانه مزبور یک  
هزار لیره تقدیم کرده است

§ در جزایر ( سارتینک ) یازده مرتبه صدای مهیبی  
اصدا شده سپس رعد و برق زیاد به قدریکه تمام  
جزیره روشن گردید نمایان گردیده و مجدداً شروع  
به آتش افشانی شد

( ۱۸ - می )

§ تفصیل معرکه ( سنکون ) که در ایلک هوس های  
( بجوالد ) واقع شده بود ظاهر میدارد که ( جنرل

هلتن ) سردار انگلیسی با منتهای هوشیاری و کمال  
فراست نقل و حرکت نموده و در این مقام  
تا کنون قشون انگلیسی زسیده بودند ( ۴۰۰ ) بوژان  
را اسیر گرفت یک سردار اردوی ( دلیری ) با برادر  
وی در بین اسرا ترفنار شده اند

§ در ( وریتنک ) یوم پنجشنبه و جمعه بوژان انعقاد  
مجلس شوری نموده گفتگویشان خیلی بطول انجامید  
§ جشن تاجگذاری پادشاه ( اسپانیا ) در ( میدرد ) با  
مآهای حشمت ختم گردید - اعلیحضرت پادشاه در  
حضور اعضای شورای دولت قانوناً حلف نمود - اهالی  
اسپانیا علی الرسم خیلی کم اظهار مسرت نمودند در چند  
رقع مخصوص اظهار بشاشت و رضایت کردند

§ اعلیحضرت ( الفنز ) پادشاه جوان اسپانیا اعلان  
نموده که اهالی بوالده ماجده من تأیید نموده اند و او  
اترار بیناید که عظمت اسپانیا را برقرار داشته امدت  
را قائم گذارد

§ در تاجگذاری در حالتیکه اعلیحضرت ( الفنز )  
در کجا که باهاش شده بجانب دربار رهسپار بود  
منصی بچین خدمت پادشاه عرض نمود که من مایلم  
با مشیره شما عروسی کنم - پلیس گرفتارش کرده در  
زد وی چند کاغذ که در او اشعار عاشقانه در مدح  
خواهر شاه نوشته بود از جیبش بیرون آمد

§ یکی از طایفه ( اتا کیمت - آزادی طلبان ) که دهم  
سلطنت اند برخلاف پادشاه ( الفنز ) در ( میدرد ) سازش  
نموده با شش فرهم دستا لش گرفتار شده اند منجمه آنها  
( کریبل لوت ) است که اشاریه اترار نموده که چند  
تاریخک در باقی گذارده بیکی از همدستان خود داده  
که وقتی پادشاه میکند در کالسهک ییندازد

§ در دفتر اعانه ( ملت وینسنت ) که در لندن باز  
شده ۷۲ هزار لیره تا کنون جمع آوری گردیده است  
( ۱۹ - ماه منی )

§ اخبار نگار روزنامه طمس لندن از ( یکن ) خبر  
میدهد که ( پریس جنک ) از ( مر - ای - استو ) سفیر  
دولت انگلیس هفدهم ماه جاری خواهش نموده بود  
که در معاهده جدید راه آهن شمالی ( یکن ) برای  
اطمینان دولت روس نظر ثانی بشود تا روسیان هم  
مطمئن الحاسطه شوند سفیر موسی الیه از این امر انکار

کرده است

§ در مقام (ورینگ) بالغ بر یکصد و شصت نفر سرداران و برآوردگان بوئر برای مشورته در معاملات صلح از مقام نموده بودند

§ (چاک هندن) که یکی از ماهرین بوئر در فن خارج نمودن قطار راه آهن از خط بود در مقام (بلمرول) خویشتن را تسلیم اردوی انگلیس نموده است

§ در مضامین (ورایه) پنجم ماه حال جنگی که میان بویان و بوئران واقع شده بود ۶۹ نفر از بوئران مقتول گردیده اند و از آنطرف (۴۰) نفر مقتول و (۴۰) نفر مجروح شده اند

§ (جنرال دیوال) حاکم صوبه غربی و شمالی روس شخصی از باغیان شلیک تفنگ نموده دست و پای او را مجروح ساخته است - این حمله در وقتی شده که حاکم مشارالیه عازم تاشای بزیکر خانه بود حمله کننده گرفتار گردیده است

(۲۰ - مئی)

§ مخبر روتر از (پریتوریا) خبر میدهد که جماعتی کثیر از وکلای صلح (ترنسوال) که اعضای حکومت هم در آنها شامل اند خواستکار صلح میباشند - اهالی (آری) فری استیت) به استثنای چند نفر وکلای صاحب نفوذ تمام خواستکار خود مختاری و آزادی هستند این خواهش آنها با اندازه قوت دارد که آن شرایطیکه اینک موضوع بحث برای صلح است در جنب آن چندان معتنا به نیست و اگر این شرط اخیر (یعنی آزادی مطلقه) قبول نشود صلح غیر ممکن ظاهر میشود

§ یکصد و بیست نفر از جماعت بوئر پرروز بر مقام (ایرین) حمله نموده لشکریان انگلیسی آنان را عقب نشانیده (کاندت وان هیردن) از سرداران بوئر در این معرکه بقتل رسیده است

§ بموجب اخبار تلگرافی دولت انگلیس خریداری قاطر را که برای افریقای جنوبی از امریکا مینمود موقوف داشته

§ یکصد و نه نفر سیاح و چهار نفر ملاح در دریاچه (کلارن) کشتی شان طوفانی شده غرق شده اند  
§ جهاز جنگی دولت جمهوری فرانس که حاصل (ایم - لوبت) رئیس جمهوری فرانسه بود وارد (کراستاه) شد  
اعلیحضرت امپراطور روس با کال بودت و کرم جوشی

معتظمه را استقبال فرمود - و سپس در جهاز مخصوص امپراطوری سوار شده بجانب (پرهاف) و از آنجا روانه (زارکیل) گردیدند

§ (ام - والدک راشو) از عهده خویش استعفا داده که رئیس جمهوری دولت فرانسه (ام - لوبت) را موقع نیکو بدست آمده بدون مانع بتواند هیئت جدید وزراء را قائم نماید - افواست که (ام - والدک راشو) بین اراده از امورات ملکی و معاملات سلطنتی حکمتار گرفته که عاقبت بریاست جمهوری فرانسه نائین و منتخب گردد

§ وزیر بحری دولت فرانسه حکمی برای تعمیر سیزده فروند جهازات جنگی که در زیر آب سیر میباشند (تارییدو) صادر نموده

§ (ریانه) هیئتی از (انارکیستها) بقصد قتل اعلیحضرت امپراطور (آسترا) نارنجکی در کالسکه سواری و مقام خوابگاه ایشان مخفی داشته قبل از اینکه اعلیحضرت امپراطور مدحج به اراده سفر (بودا پوست) سوار کالسکه شوند ملازمین نارنجک را بدست آوردند

§ بموجب نکات اخبار (پریونه) امیر (رهنیا) حکامه که بتاری برپا نموده مورث جرئت دولت ایتالیا باشد که (رهنیا) را ملحق به مستعمرات خود (پرهیا) کردند  
§ تمیمرات اداره بحری دولت ژاپون در شش سال آسیده بدین گونه قرار یافته است - جهاز جنگی بزرگ چهار فروند - جهاز جنگی زره پوش کوچک دو فروند - ایضاً از درجه دوم چهار فروند - تارییدو پنجاه فروند - دستیار (برباد کننده تارییدو) بازده فروند

§ در ولایت (نکس) که در امریکای شمالی واقع است طوفان شدیدی که زاید بر پنج دقیقه دوام نداشت حادث و خرابی زیادی رسانیده است - در شهر (کولاید) نود نفر را هلاک نموده و صد ها مکانات را پست کرده است

§ (سبزیللا) را اهالی (کیوبا) با کال کرمجوشی بریاست امارت جمهوری جزیره (کیوبا) منتخب و ممتاز نمودند (مستروود) که از جانب دولت آنازونی در جزیره مزبور حکمران بود برق دولت متبوعه خود را بدست خویش فرود آورده با جمیع افسران امریکائی سوار چهار شده روانه رطن مألوف خود گردیدند

( ۲۱ - پی )

§ يك فروند جہاز جنگی زره پوش فرانسه در ( انپولیس ) بندر امریکا وارد گردیدہ کہ در وقت جشن انکشاف مجسمہ ( مارشل دوجیو ) در واشنگتن احتراماً حاضر باشند

§ اعلی حضرت اقدس شہنشاہ ایران خلد اللہ مالک و سلیمانہ وارد در ( رومیہ الکبری ) پای تخت دولت (ایتالیا) گردیدند

§ نواب اشرف امجد والا مزہابیس آقای سلطان محمد شاہ دام اقبالہ بحسب دعوت رای شرکت جشن ناحتظارہ سلامت وارد لندن گردیدند

§ رسماً اعلان شدہ کہ در نمائش بحری جشن حقداری اعلی حضرت (دورہ ہفتم) از جانب ادارہ بحریہ دولت ہریک مک جہاز جنگی ارسال خواہد شد دولت ژاپون دو جہاز جنگی کسپل میدارہ

§ اعلی حضرت امپراطور روس شب گذشتہ مہمانی مشکوہی در ( زارکسل ) از رئیس جمہوری فرانس (ام نوبت) نمودہ طرفین جام محبت یکدیگر را بویادہ مکلمات دوست و شریک دوست ہمدیگر را یاد فرمودند

§ بموجب نگارش اخبار (طمس) لندن ( سرچی - جیک لو فنگلو ) ہمہ نداءت اعلی حضرت امپراطریس چین ممتاز شدہ این عہدہ بتناسبیت اینکہ منہی مناسب حایلہ دول چین می شود کمال اہمیت را پیدا کردہ است

➤ ہوائی مہری جناب حاجی زین العابدین ➤

( آقا قی آف نمبر - (۱) )

§ (حاجی) چنین مقرر داشتہ است کہ در اوقات شبانہ روز چہار ساعت باب ایاب و ذهاب را محدود مینمایند و در روی خودی وغیرہ امر کردہ نمیکشایند و می بردازد باستماع جرائد و روزنامہای فارسی و عربی و ترکی و فرانسه و روسی مترجمان بوقت معین حاضر میشوند - ابتدا جناب آقا میرزا صادق مترجم کہ ذکر ہمیشہ سبقت یافت جرائد فارسی منطقہ ایران ہندوستان و مصر و جرائد ترکیہ منطقہ استانبول و ترکستان و غزوان و جرائد ہریہ منطقہ مصر و شیبہ حاضر ہکرده يك يکرا شروع بقرائت مینماید و بتانی تمام مبعوثاند ( حاجی ) در کار های سیاسی و پولیتیکی

و اخبارات و حوادث مذاقہ نامی دارد و مترجم مفکور در موارد لازمہ مثل اینکہ در فلان شہر تشکیل انجمن خیرہ شدہ یا تاسیس مدرسہ و علم خانہ - در فلان شہر یا فلان بلد بنای سریشخانہ و مسافر خانہ و غیبتخانہ شدہ و امثال این افعال خیرہ کردہ اند بقسی مجاہدی القا مینماید کہ اغلب اوقات ہزاروز حاجی در آن مجال خیرہ خود را شریک مینماید و وحی تلکرافاً یا مکتوباً ارسال مینماید - پس از فراغت از روزنامہای مسلمانی مترجم دیگر ( موسیو کادوسلی ) روزنامہای فرنگستان و روسیہ را جمع کردہ مشغول خواندن میشود و از کار های اروپاویان و فرنگیان و سیاسی ایشان يك يك بیان میکند - مثلاً اگر روزی بخواند کہ فلان شخص فرانسوی یا آلمانی یا امریکائی در حق مہوطنان خود فلان مقدار نذل کردہ کہ بخرج معلم خانہ یا سریشخانہ مصرف نمایند تا چند ساعت ( حاجی ) از حال طبیعی بیرون مہرود و کسی قادر نیست تکلم با او کند ہمہ دوش اطہار یکہ کہ چرا در جرائد مسلمانان چنین ہفتی ہفتی در حق اساء وطن و ملت دیدہ نمی شود بکر ماہ نامان آب از يك سر چشمہ کہ شریعت محمدیست نمیخوریم پس کو عصیت و غیرت و ہمت مامسلمانان - خیلی ذکارت نامی و حافظہ زیادی دارد کہ ہرگز چیزی را فراموش نمیکند و اگر امروز در یکی از جرائد مسلمانان خواندہ شود کہ شش ماہ دیگر مثلاً در فلان شہر بنای مدرسہ می شود باسم شرافت یا سعادت تاسر شش ماہ مکرر پرسش میکنند و نظامنامہ آن مدرسہ را طلب مینمایند و خیلی خوش دارد انجمن خیرہ در بلاد مسلمانان دایر بشود چہ کہ انجمن خیرہ در نام ملک عالم هست کہ ہر کسی بقدر قوہ و وسعت خود نذل مینماید و مالی از جان و دل بدان انجمن ارسال میدارد و وجوہات از مرجا در آن انجمن خیرہ جمع میشود و امناس و وکلای انجمن بموجب نظامنامہ و شرایط و فصولش بمصرف ایشام و فقرا و ضعیفای ملت میرسانند و فوری در روزنامہای یومیہ نشر میدهند کہ فلان چہ قدر دادہ است تاسیس انجمن خیرہ مسلمانان در ( پطرسبورغ ) ہمین قدر کہ بمع ( حاجی ) رسید فوری بلذدہ ہزار منات ( ۱۱۰۰۰ ) ارسال کردہ اعضای انجمن از این موعبت فوق تصور تحکرات



بی حد کرده و مدتی متمادی در (غزنه) روزنامه‌های روسیه نشر میدادند و چند دفعه ادعیه صمیمانه اظهار کردند

دیگر مسلمانان بادکوبه خواستند مدرسه افتتاح نمایند و بعضی در نزد (حاجی) ابراز نمودند مقدماً ۵۰۰۰۰ هزار منات بجهت مدرسه جدید التاسیس داد سائر متمولین بادکوبه که هر يك لا بد بمراتب شئون خود باید چیزی بدهند و در وقت اظهار حیانت مالبه خود را کتر از دیگران نمیدانند خیلی این موهبت آنها شاق آمد خواهی نخواهی تأسی کرده هر يك (۲۰۰) الی (۳۰۰) منات دادند و کفایت ما را با حاجی مسکای نیست او رات او نعم دیگر است و بخشایش او بر اعمال خیریه کسی را حالی نتواند بود

بلی چنین است که طاعتاً هر نام عمل خیریه بیان آید او دست قوت بکشد و همه را بیکوید خدمت بنوع خود است

چنانچه بجهت انجمن خیریه ایتم ارامنه (۳۰۰۰) هزار منات به نائب پاپ که رئیس دماة مسیحی است داد و يك هزار منات بجهت معلم خانه ایشام روس که نامی دخترند و آن را (سونیوی نی نه) نام نهاده اند و واقع در کنجه است فرستاد و (۵۰۰۰) هزار منات از بابت تعمیر مساجد دغستان قفقازیه فرستاد (۵۰۰۰) هزار منات بجهت تعمیر قبرستان بادکوبه به حاکم محلیه داد که حصاری اطراف قبرستان بکشند و رنه چون در طرف آبادی شهر واقع بود مقابر اجداد و اسلاف مسلمانان کم از میان میرفت (۱۲۵۶۵) دوازده هزار و پانصد و شصت و پنج منات بجهت تعمیر مسجد و حصار بندی قبرستان مسلمانان (حاجی ترخان) فرستاد و (۵۰۰۰) هزار منات بجهت مدرسه رشديه واقع در طهران ارسال فرمود (خوانندگان اگر بذل حاجی را در خوارجه باور ندارند مدیر رشديه و مدرسه سادات در طهران هستند) و (۵۰۰) منات بجهت مدرسه سادات طهران فرستاد و (۸۴۰۰) منات بجهت اطفال یتیم و زنهای بیوه امیر و افلیج و اموج و غیره از هر ملت و هر مذهب که باشد همه ساله در بادکوبه مقرر کرده بر سیل استمراری می آید و مقرری خود را دریافت مینمایند

دیگر (موسیوستانن پنکا یوج اسمشلاى اف بوقالتر) یعنی رئیس میرزاها که سی سالست در کالپورو حجره حاجی اشتغال بمحاسبات دارد و تمامی میرزاها تحویل حساب شان رجوع با وست و شهادت نامه از معلم خانه دارالفنون (پترسبورغ) هر دست دارد خیلی آراسته و زهر هنری بی راسته خدمات نمایان در این مدت نموده بولینممت خود و از وظیفه مقررده خود گاهی تجاوز نموده و قصوری از او ظهور نکرده است از این رو همه ساله بموجب او افزوده شده بمذکک (حاجی) محض آسایش و آسودگی او اثار بمراتب حسن کفایت و لیاقتش يك باب خانه بقیمت هجده هزار (۱۸۰۰۰) منات خریداری فرمود و او را امر فرمود در آنجا مسکن نماید و قبله خانه را تسلیم او کرد ماشاءالله بسلسله اعیان و طبقه ارکان و تجار که يك زیر دست خدمت گذار را بپنجاه خدمت باو رجوع میفرمایند از بچاره خواهی نخواهی متحمل میشود و از عهده بیرون می آید عاقبت نوبت مواجب گرفتن که میرسد بعد از رحلت بسیار و فرمانبرداری بی شمار آنها گرفتارش میکنند بجهت ندادن مواجب او آنفلک زده ناچار فرار برقرار اختیار کرده مفقودالامر میشود

- ( مردان خدا جامه پندار دریدند )
- ( یعنی همه جاغیر خدا هیچ ندیدند )
- ( هر دست که دادند همان دست گرفتند )
- ( هر نکته که گفتند همان نکته شنیدند )

(اقی دارد)

### ➤ افضل الخیرات ➤

§ (صورت اسامی اشخاصیکه حسب الامر جناب جلالت مآب اجل آقای ناظم الملک جنرل فونسل نفلیس دام اقباله بتوسط میرزا کریمخان مبصرالملک ویس قونسول دولت علیه ایران در قارص برای مدرسه متبرکه سادات در طهران وجه اطافه فرستاده اند ۱۰ شهر رمضان (۱۳۱۹) ۵۰ منات

مبصرالملک ویس قونسول ۱۰ منات ۵۰ کپک

جناب میرزا محمد قاضی شیخ زاده ابروانی ۳ منات  
آقا مشهدی ابراهیم تاجر سلماسی ۱۰ منات  
آقا داداشی نارپو بردرف از اهل قارص ۳ منات